بسمه تعالی

تکمله شاخص های قرآنی و دو مرتبه علمی: الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْم و أُولُو الْأَلْبَاب

نوشته نادر حسن زاده



(تاریخ نشر ۱۴۰۰/۱۰/۳۰. تاریخ بازبینی ششم ۱۴۰۲/۱۰/۱۷)

hasanzadehr@yahoo.com

يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ- که خداوند کسانی را که به سراغ علم و ایمان رفتند برتری می‌دهد (مجادله/۱۱).

انگار وقت عنایت است من هم هستم

بنای روشن است من هم هستم

به هر جا رفتم قیامت است

قیاس از خود مگیر من هم هستم

دلائل نوشتن این مطلب متعدد است. اجمالا بازآفرینی شاخص های بی بدیل از قرآن است. قرار دادن این آینه جلوی چشمان هر فرد علمی مسلمان است. این گروه اگر به خود بیآید مردمان کشورهای خود را بیدارتر خواهند کرد و موجب سرافرازی و سربلندی کشور خود و کشورهای دیگر خواهند شد وگرنه چون گذشته بمانند شمعی در تاریکی و نبود شاخص ها خواهند سوخت.

اگر علم در قرون سوم و بویژه چهارم در عالم اسلام رشد کرد و پر آوازه شد بدلائل متعدد بود. از جمله پویائی مکتب بود. قلم پر فیض دانشمندان بود. وجودشان مملو از حکمت بود. رابطه فیض قدسی بین خود و خدای خود برقرار بود. از هر انگشتان ایشان ده ها هنر می ریخت. قریحه شاعری داشتند. لطافت روح را داشتند. احساسات رقیق داشتند. جاری شدن آب کوثر را در تمام وجودشان داشتند. در معلومات همانقدر قدسی بودند که در عبادات و در عبادات همانقدر عارف بودند که در مجهولات.

خلق شده بودند که خلق کنند و یکی از آیات خدا باشند. یکی از مخاطبین سلام سوم نماز باشند.

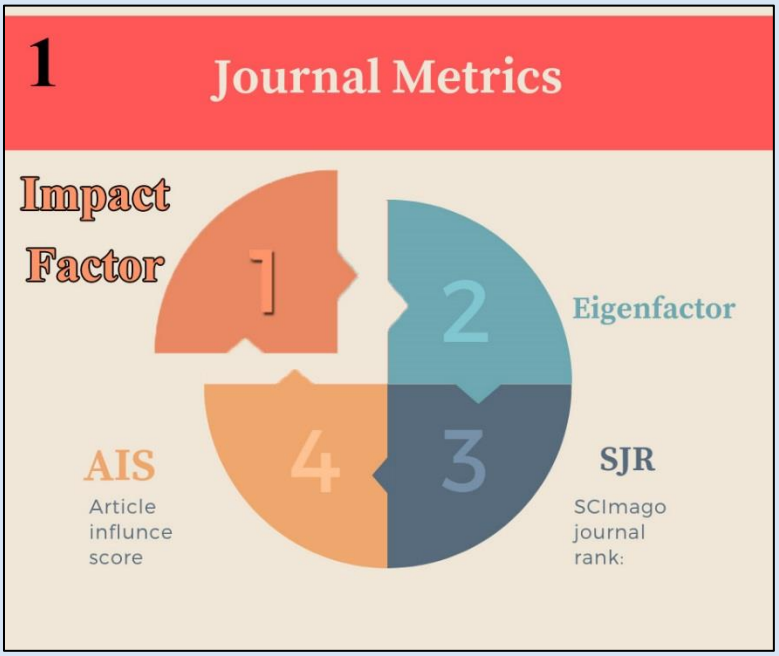
نوشته حاضر در دو نوشته دیگر تحت عناوین:" قرآن کتاب شاخص ها و بیان میزان شاخص ها،۱۴۰۰" و "مراتب علمی و رسالات اجتماعی مومنین دانشمند و غیر دانشمند در نزد خدا، ۱۴۰۲" به اکمال رسیده است و در نوشته تنها دعای من: همه در این مملکت به یک اندازه گرفتار بشوند. نه بیش و نه کم،۱۴۰۲ به آن استناد شده است. کلی هم زمان برد. کلی هم سخت بود. اما نیاز بود نوشته شود و بتدریج تکمیل گردد.

باید اذعان کنم یکی از بهترین دریافت های من بوده است.

مقدمه:

امروزه هر پایگاه استنادی معتبر بین المللی (The best academic research databases) چون اسکوپوس (Scopus)، وب آو ساینس (Web Of Science)، پایگاه سایماگو (Scimago)، گوگل اسکالر (Google Scholar) و چندین پایگاه معتبر دیگر در ارزیابی مقالات، مجلات، سری کتاب ها (book series)، دانشگاه ها، کشورها، ناشرین و از همه مهمتر افراد محقق و خالق آثار علمی و هنری و میزان تأثیر گذاری آن ها در پیشبرد علم و بهروه وری علمی که با شاخص اچ (h-index) سنجیده می شود، شاخص های منحصر بفردی را در بیشتر زمینه های علمی ابداع کردند که با ارزیابی چند جانبه این آثار قادر هستند رتبه و ارزش هر فرد علمی و آثار خلاقانه ایشان را از مجلات و منابع علمی مختلف استخراج و دسترنج و دست مریزاد ایشان را به صورت کمی و کیفی به سمع و نظر اندیشمندان دنیا برسانند.

راه صلاح و نجات بشر از این آبراه است. آبراه فکر و اندیشه. آبراه عبور دادن میلیاردها انسان از گلوگاه های تنگ و تاریک. مصداق بارز آن در این قرن، بروز بیماریهای مسری و نوپدید/نوظهور چون کوویدها و تغییرات اقلیمی در سطح جهان است. اینقدر دلواپسی هست که به انتقال انسان به کرات دیگر قبل از نابودی زمین فکر می شود.



شکل ۱- شاخص های مورد استفاده در ارزیابی مقالات علمی توسط پایگاه های استنادی معتبر جهانی. مجموعه این شاخص ها و شاخصه های دیگر، رتبه علمی یک نویسنده، ناشر، کشور مولد علم (مقاله، کتاب، ثبت اختراع و غیره) را تعیین می کند.

سال ۱۳۵۳/۱۹۷۵، تنها معیار سنجش برتری یک مقاله علمی نسبت به مقالات دیگر، تعیین ضریب تأثیر (Impact Factor) یا استناد (ارجاع دادن به آن مقاله) توسط دیگر محققان در بازه زمانی دو ساله (دو سال قبل از امسال) بوده است که طی یک فرمول ساده به شرح زیر محاسبه می شد و هنوز هم شاخص مهمی برای مجلات ISI است.

ایمپکت فاکتور یک مجله برای یک سال مشخص برابر با تعداد ارجاعات (Citations) انجام شده در آن سال، به مقالات منتشر شده در آن مجله در طول دو سال گذشته، تقسیم بر مجموع تعداد مقالات منتشر شده در آن مجله در طی دو سال گذشته است.

$$\text{ضریب تاثیر در سال 2013} = \frac{\text{استنادهای دریافت شده در سال 2013 توسط مقالات چاپ شده در سال 2011 و 2012}}{\text{مجموع مقالات چاپ شده در سال 2011 و 2012}}$$

امروزه با بکارگیری انواع شاخص ها و ضریب های تاثیرهای ۳ ساله تا ۵ ساله، شاخص آنی (Immediacy Index)، شاخص نیمه عمر ارجاعات (Cited Half Life)، شاخص ضریب تاثیر به هنجار/نرمالیزه شده (SNIP)، شاخص کیو (Q index) یا چارک ها (quartiles) و ده ها شاخص دیگر بررسی ها و ارزیابی ها را به روز تعیین و در فهرست های سالیانه یا برخط اعلام می کنند.

سال ۱۳۹۰/۲۰۱۲، شاخص دیگری بنام التمتریک (Altmetric index or alternative metrics) معرفی شد که با آن **میزان تاثیر گذاری یک مقاله علمی را در تغییر سبک زندگی مردم ارزیابی کرد**. فرمول آن هم ساده است: هر مقدار ارجاع/استناد به یک مقاله بیشتر باشد و بین مردم در فضاهای مجازی بیشتر به اشتراک گذاشته شود، این دلیل بر اقبال عمومی و تاثیر گذاری بیشتر در سطح جوامع است.

قربان کتاب های خدا بروم که تاثیرپذیری آنها در جسم و روح افراد بی نظیر بوده است. تجدید چاپ آنها بیشمار بوده است. اما دشمنان این کتاب ها هم کم نبوده اند. هنوز هم کم نیستند و چون با فوت دهن و فوت بی علمی نمی توانند خاموش کنند با بی اخلاقی خود و تبلیغ رفتارهای ناشایست افراد و مقامات کشورهای اسلامی آن را لوث می کنند.

این قبیل شاخص ها بویژه شاخص های جامع که توسط متخصصین امر ابداع می شوند به مدیران و به مردم یک جامعه این پیغام را می دهد که میزان علاقمندی آحاد یک کشور و حتی افراد عالم یک کشور به یک یا چند گرایش علمی و هنری و ادبی چقدر است؟ روند افزایش یا کاهش دین باوری چقدر است؟ آینده دنیا بیشتر بدست کدام دین خدا هدایت خواهد شد؟

برای همین است که در چند سال اخیر بویژه در سال جاری(۱۴۰۰/۲۰۲۱)، هر مطلبی/مقاله ائی در هر زمینه کاری خواسته باشی در اینترنت جستجو کنی اول از افراد علاقمند می خواهند کوکی (cookies) آن نوشته را در سایت مربوطه تائید کنند. زیرا مرورگرها مجهز به انواع نرم افزارها هستند تا معلوم کنند اقبال عمومی از یک نوشته معمولی تا تخصصی در سطح جوامع جهانی چقدر بوده است؟ کدام تحقیق برای تحقیق و کدام تحقیق برای افزایش سطح علمی آحاد یک کشور/یک ملت موثر بوده است؟ ارائه مطالب چقدر گیرا بوده است؟ خواننده آن چه کسانی و در چه سطح علمی بوده اند؟ بعد شروع به سازماندهی و نظامندی افکار می کنند. فروش آگهی های تبلیغاتی کمترین بهره از این دنیای دیجیتالی است.

ضمن اینکه همه باید بدانند از این ببعد همه در دنیای مجازی زیر ذره بین هستند. پاسپورت همه در جیب دیگران است. زیر زمین ایشان هم زیر نظر ماهواره ها است.

از بعد علمی اینقدر تولید علم شده است و اینقدر جذاب در رسانه های بین المللی و مجازی ارائه می گردد که اول هر صبح می شود با گوشی های موبایل خود چند نمونه آن را دید، باز کرد، خواند و لذت برد.

یک مورد اخیر را من در تکمله مقاله مبدا و معاد انسان خردمند مبدا و معاد انسان خردمند امروزی (هموسپینس)-داستان دودمان انسان تحت عنوان "تفاوت ژنوم انسان امروزی با نسلهای منقرض شده ماقبل خود" بتاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۶ در همین سایت انتشار دادم و ضمن فوروارد آن به دانشجویان علاقمند، سر کلاس درس مربوطه به تشریح آن پرداختم.

باید متاسف بود برای جهان اسلام که یک پایگاه علمی ویژه خود بنام پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (Islamic World Science Citation Center, ISC) دارد اما در عمل بود و نبودش تقریبا یکسان است. به جرات می توانم بگویم از بی رمق ترین، عقب مانده ترین و

مقلدترین پایگاه های استنادی علم دنیاست. زیرا شاخص منحصر بفردی از خود ندارد. فرمول متناسب با این مکتب را برای ارزیابی یک محقق مسلمان ابداع نکرده است. بیشتر مقلد پایگاه های استنادی معتبر دنیا بوده است. از ماه و سال هم عقب تر است.

به دانشجویان خود نوشتم عین مسلمانی ماست.

تا در روی این پاشنه می چرخد حالا حالا مسلمانانی ماست. ادامه دوران فترت علمی ماست.

این پایگاه اسلامی بی تفاوت تر از حد انتظار است. قبول ندارد یا جرات ابراز وجود ندارد و یا احیانا اعتقاد ندارد که انسانهای متفکر و دلسوز در این کشورها می سوزند و می سازنند تا نگذارند جوامع اسلامی از علم و اخلاق و هنر کاملا تهی باشند، از ارزش ها متنفر باشند، از تلقین های شیطانی در امان باشند. بزرگترین خردمندان دلسوز این کشور از معززترین شهدای این کشورها هم هستند. مزار ایشان از گمنام ترین مزارهاست. نوشتم وقتی به سر مزار مرحوم صمد بهرنگی که با کتابهای خود در ایران انقلاب فرهنگی راه انداخت، نگهبانان گورستان امامیه تبریز از دادن آدرس قبر او ابا داشتند! و وقتی به کمک یک فرد خدا آن را یافتم مزار او را یتیم خانه یافتم. وظیفه أُولُو الْأَلْبَاب است از ایشان یاد کنند زیرا در این دو مرتبه علمی قرار نمی گیرند اما مراتب دیگری را باید ایشان را تعریف کرد و تعریف کردنی است.

لذا از اهداف مهم این مقاله تاکید بر شاخص ها و معیارهای گرانبها اما فراموش شده قرآن در جوامع اسلامی است. زمانی دور برای دهه ها، این جهان گسترده و تازه نفس و مقید به شاخص های قرآنی تنها منبع علم و فرهنگ و اخلاق جهان بودند. هر سه را با هم داشتند. دانشمند و عارف و ریاضی دان و منجم و ادیب و حکیم و موسیقیدان و جغرافی دان. انسانهای جامع شرایط را زیر نظر خود در دانشگاه های معتبری چون جندی شاپور باقیمانده از دوران ساسانیان پرورش می دادند. ایران بیش از دیگران در این شکوفائی نقش داشت. این نسبت هنوز باقیست. یک ابر بهاری لازم دارد. نه ابر طوفانی و نه بهار عربی این خواب رفته ها را بیدار کند (مراجعه شود به مقاله دکتری تخصصی پی اچ دی چیست؟ و دارنده آن کیست؟ ۱۳۹۵ در همین سایت).



در نیمسال اول ۱۴۰۰درس روش تحقیق داشتم و ناچار بودم ضمن ارائه مطالب درباره شاخص های مورد استفاده در این پایگاه ها به نقطه ضعف جهان اسلام هم تاکید کنم. و نیز در یکی از کلاس ها، قبل از ورود به کلاس سروده زیر را نوشته و تایپ کرده بودم:

فرمولِ هر چیز ریاضی است

همه رقص پا ریاضی است

آب را گل نکنید ریاضی است (زنده یاد سهراب سپهری)

به تو از کوه نوشتند ریاضی است

به تو از دوست نوشتند ریاضی است

بروم عشق بورزم ریاضی است

صاحب اولاد شوم ریاضی است

کودک ایام شوم ریاضی است

دختر مهتاب شوم ریاضی است

همسر صیاد شوم ریاضی است

چه بسا نام شوم سوگل سهراب شوم

منظر مضراب شوم

نامه توحید شوم

خانه ناهید شوم

ریاضی است

بیست از بیست ریاضی است

بیستمین روز ریاضی است

عددی بر تو نوشتند ریاضی است

به تو پاداش ریاضی است

ده بار، ریاضی است

صد بار، قیاسی است

خروار، خشابی است

حرکات ریاضی است

سکنات ریاضی است

علم محض است ریاضی

زنگ درس است ریاضی

بهترین فرمول دنیاست ریاضی

مرد میدان ریاضی است

مرد مشتاق ریاضی است

سفری در پیش است ریاضی است

عَلمی در دست است ریاضی است

همه جوری ریاضی است

آن کتابی که پر از شاخص (Indices) دنیاست ریاضی است

همه آیات خداوند ریاضی است

ب بسم الله ریاضی است

ابجد اول آیات ریاضی است

این کتاب بیشتر از این است ریاضی است

رکعتی با رکعتی، جمله کتاب است ریاضی است

صبح زود است، غروب است، عصر و عشا هست ریاضی است

گردش ایام ریاضی است

گردش آیات ریاضی است

کتابت ریاضی است

تلاوت ریاضی است

لوح محفوظ ریاضی است

به نوا درس تو دادند ریاضی است

فرش قرمز به تو انداخت ریاضی است

نیمه شب غار حرا بود ریاضی است

شب احیا ریاضی است

شب مهتاب ریاضی است

گل گلشن ریاضی است

شب معراج ریاضی است

خواب در جای پیامبر ریاضی است

نیازی است ریاضی است

نمازی است ریاضی است

شاخص دیگر به تو این کل ریاضی است

شاخص اول توالی است

شاخص دوم تعالی است

شاخص سوم تساوی است

متاسفانه دانستن ریاضی ملزومات و مفروضات خود را می خواهد. خط کش می خواهد و تراز آسمانی. اسطرلاب ریاضی، خط کش و میزان است. بسنجد به میلیمتر- ببخشد به خروار. می تواند از کتاب قرآن و حتی دعا(مراجعه شود به جداول آخر این متن) شاخص های مربوط به علم را بگیرد و هم شفای عاجل را. منتهای آسیب شناسی مولانا رومی دقیق و فزاینده است. طبق فرمایش ایشان: گرچه مقصود از کتاب آن فن بود/گر توش بالش کنی هم می‌شود. هنوز هم کم نیستند پایان نامه های خود را زیر سر خود هم بعنوان بالش نمی گذارند. کتابخانه ها از اینکه فضای آنها را گرفته است شکایت نمی کنند. خوشبختانه از دوره کرونا ببعد و مجازی شدن همه چیز یک نسخه از آن برای هفت پشت دولت و ملت ایران کفایت می کند. چه کسی می خواهد در دنیا رساله دکتری به زبان فارسی بخواند؟!

مرحوم اسدآبادی هم قرین به این مضمون گفته است: غرب رفتم کار اسلامی دیدم شرق آمدم حرف اسلامی شنیدم!

غرب غرب شد زمانی که فرمولها کشف شد و در پی آن شاخص ها تدوین شد و روز به روز به روزتر شد.

شاخص ها، بند پا نبودند. پا بودند. زمین را عرصه تنگ دیدند به کرات دیگر رفتند.

ما از نوآوری می گوئیم آنها نوع آوری را خلق می کنند. ما دروغ می گوئیم آنها راست نگویند گرفتاری ها دارند. ما اینقدر دروغ گفتیم که اسم حضرت عباس(س) را داخل ضرب المثل خود کردیم (نمی دانم حرف تو را باور کنم یا قسم حضرت عباس را!). کوروش هم گفت خدایا این کشور را از دروغ و خشکسالی مصون بدار.

شاخص ها زیادند هم در سطح مردم عادی و هم در بین اقشار نخبه. این مطلب من مربوط به نخبگان کشور است.

وقتی هر روز تلویزیون را باز می کنی و کلی حرفهای شکمی می شنوی می فهمی شاخص ها در نزد مقامات بر باد رفته است. حرف مفت جایگزین شاخص ها شده است. متاسف می شوی چرا اینقدر سوژه جهان شده ایم؟ هر حرف مفت یک جمعیتی را از دین بیزار می کند. هر مدرک مفت یک جامعه را از علم بیزار می کند. هر بیکاری یک بدکاری را سر کار می آورد.

اصلاح را از علما و دانشوران شروع می کنم. بعد از شاخص های دیگر قرآنی بیشتر خواهم نوشت.

اتمام کلاسهای درس و تدوین این متن سنگین:

فرصتی برای ویراستاری و انتشار نوشته فوق نبود تا اینکه هفته دوم دیماه کلاسها تعطیل شد و من از درسهای فشرده و طاقت فرسا(زیرا سالهاست عادت دارم به روزترین کلاسها را به دانشجویان مقاطع مختلف ارائه بدهم و از قِبَل آن اسلایدهای فایل های مختلف خود را در وبسایت تخصصی خودم (http://www.phytobacteriology.com) به روز کنم تا در نسخه های جدید (versions) سایت که هر ۶ ماه یکبار آپلود می شود خیلی از دنیا عقب نمانده باشم.

حین تدریس هم به دانشجویان گفتم قرآن، کتاب شاخص هاست. بل میزان همه شاخص هاست. انسان ساز تاریخ هاست. اینکه مسلمانها به دعا می پردازند تا آیات قرآن به این دلیل است که عمل به آنها سخت است. اینکه دشمنان از این کتاب گریزان انند و در تخریب آن متوسل به آیات خاص می شوند زیرا ضریب تاثیر اجتماعی و جهانی آن را می دانند. تنها امیدشان به مسلمانی ماست که آبرو برده از ارزش مسلمانی!!

لذا همه ترجیح می دهند مدرس این کتاب آسمانی باشند تا متعلم آن، تا متاثر و متعصب و متاله آن.

در حالیکه قرآن تنها کتاب شاخص معتبر دنیاست. نه تنها کل کتاب شاخص است بلکه از جلدش تا متن اش ذخائر شاخص ها است. مسلمان می داند بدون وضو آن را نباید بدست گیرد زیرا آیات روی جلد و پشت جلد آن حاوی این پیغام است: إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ* لايَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ * تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمِينَ – همانا آن قرآن کریم است. که در کتاب محفوظی جای دارد. جز پاکیزگان به آن دست نزنند. نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است (واقعه/۸۰-۷۷).



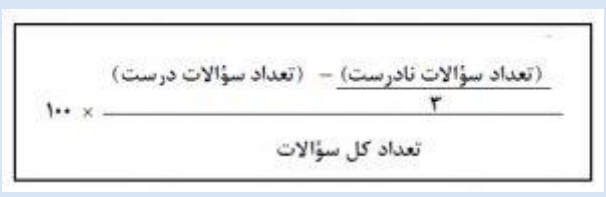
شکل۲-آیاتی که غالبا روی جلد و پشت جلد درج می شوند.

شاخص های روزمره زندگی:

بیشتر ما در هر روز گرفتار یک یا چند آزمون با شاخص های مختلف هستیم:

- دغدغه عموم مردم، رصد شاخص فقر و بدتر از آن فلاکت است.
- دغدغه جوانان، دانستن شاخص محاسبه درصد تست با نمره منفی برای تست زدن صحیح سئوالات کنکور است.
- دغدغه کارمندان و کارگران، محاسبه شاخص اضافه کاری حقوق و دستمزد حقوق است.
- دغدغه دوران بازنشستگی، شاخص محاسبه حقوق بازنشستگی و معدل دو سال آخر خدمت است.
- دغدغه محققین و دانشجویان مقطع بالا، چاپ مقاله در مجلات معتبر است که برای چاپ مقاله، شاخص های متعددی را در نظر می گیرند. از جمله داشتن ضریب تاثیر بالا (IF) و شاخص کیو (Q-index) که بین ۱ تا ۴ (Q1-Q4) متغیر است.
- دغدغه بازار و سهامداران و دولت ها، رصد نوسان شاخص های مختلف است.
- و بالاخره در سطح دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی، دغدغه علمی اساتید، ارزیابی روزانه ایشان با ده ها شاخص مختلف از جمله شاخص اچ-اندیکس (h-index) از سوی پایگاه استنادی معتبر جهان و دانشگاه متبوع خود هستند. تا استادیار بشوند، دانشیار بشوند، استاد تمام بشود و دیگر هیچ!





اشکال۴-۳- دو نمونه از شاخص های مهم جامعه امروز ایران: شاخص فقر و شاخص درست تست زدن سئوالات آزمون کنکور سراسری.

اما آیات قرآن محدود به چند شاخص ساده نمی شود. شاخص های آن آنی، جاری و به ثانیه است. فقط شامل اعمال انجام شده نیست. نشده ها را هم شامل می شود. نیات هم هست. سود و زیان هم هست. از روز تکلیف تا قیامت است. کل این کتاب شاخص است. شاخص شاخص هاست. اگر شاخص کیوها (Q1-Q4) نبود من آن را یکی از شاخص های بارز قرآنی برای ارزیابی همه انسانهای عادی و غیرعادی و دانشمند و هنرمند و غیره بر می گزیدم. حرف کیو (Q) را مخفف کلمه Quaran بر می گرفتم.

پس بدانیم شاخص های قرآنی به سال نیست. به ثانیه است. به استناد صرف به مقالات و نوشته ها و گفته ها نیست. به مستندات هم هست. صرفا مردم چه می گویند نیست، اعمال با ریا و بی ریا هم هست. به ترک عادات بد هم هست. به احترام به بزرگ تر ها هم هست. به زیارت قبور هم هست. رفتن به مزار شهدا و علما هم هست. تفقد از یتیمان هم هست. به توبه معمولی و توبه نصوح هم هست. احترام به درخت و جانور هم هست. به آب های جاری هم هست. به قناعت هم هست. تمام شاخص ها با هم، شاخص کل قرآن را تشکیل می دهند. **روی قبر هر فردی یک شاخص کل درج شده است. باور ندارید بروید ببینید.** از انسان کامل شاخص کل تر مورد انتظار است و از افراد عادی به حد وسع (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا- خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند (بقره/۲۸۶).

۱. اولین شاخص قرآن علم و اولین آیه قرآن بسم الله الرحمن رحیم است.

مهمترین شاخص قرآن، ارتقای سطح علمی و فرهنگی همه افراد جامعه است. علم و عمل جامعه هم متاثر از علم و عمل افراد اندیشمند است. یا با هم رشد و تعالی پیدا می کنند و به مدارج عالی می رسند، یا با دست هم و با گرفتن دست و پای هم، همدیگر را به روی خاک می کشند.

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ - بخوان به نام پروردگارت که آفرید (العلق/۱). **اولین آیه نازل شده به قلب مبارک رسول الله (ص).** هر چند در این هم تشکیک کردند. زیرا بیکار هستند. یکی می گوید اولین آیه مربوط به سوره مدثر است. گروه دیگر می گویند سوره فاتحه (پایگاه اطلاع رسانی حوزه). اما من به اتکا به شاخص های متعدد قرآنی اینقدر می فهم که اولین پیام خدا به هر انسان روی زمین و بویژه مسلمانان پس از تذکر ایشان به رحمت و رحمانیت خود، فرا گرفتن علم و دانش است. افتخار قرآن و اسلام به دانائی بالای افراد است. چه دلیل محکم تر از آیه زیر:

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند تنها خردمندانند که پند پذیرند).

و اگر به اولین آیه باشد. آیه "بسم الله الرحمن رحیم" است. زیرا خلقت با این آیه شروع شده است. آیه هر مصوری است. آیه هر محولی است، مقلبی است. در یک کلمه، آیه مسلمانی است. آیه رحمت و مرحمت است. طلای ایمان است. تمام ایمان است. علم و ایمان است. سلام بر خدا که سلامت و سعادت ما مرهون زیستن زیر سایه این آیه کبری است. ب، ندارد بهمان است. میم ندارد، میهمان است. سین ندارد، سینا هست. ر، ندارد رحمان رحیم است. الرحمن، علم القرآن است.

امتیاز این شاخص ۲۰ از ۲۰ است. **زیرا نادانی مصیبت مسلمانی است**. همچنانکه دانای بی عمل نشانه بی ایمانی است. بقول خودم آدم نادان بغلط مومن است. ایمان، دلیل دانائی است. پیامبر (ص) مفتخرترین رسولی است که داناترین آیات را از خدا فرا گرفته است. امروز اگر از علم عقب هستیم زیرا دانا نیستیم. مدرک دانشگاهی و حوزوی داریم اما محترمانه ناآگاهیم. دانائی به مدرک نیست، به عقل و شعور است. به داشتن ترازو در دست است. جهان بینی است. درد دنیا داشتن است. حرف چرت نگفتن است. مضحکه این و آن نبودن است. تعصب بیجاست. از خدا نترسیدن است. بعضا از زبان متخصصین شبکه های فارسی زبان حرف هائی را می شنوم که به انسان خردمند بودن ایشان شک می کنم.

چند مدت پیش بود(۱۹ دی ۱۴۰۰)که از شبکه ایران فردا مطلبی را فیلسوف آن شبکه (صدیق یزدچی) در برنامه چهل سال خود درباره خدا می گفت که به خود گفتم حیف از اینهمه زور زدن برای ادای کلمات سخیف. او مدعی بود **در اسلام ما عروسک خیمه شب بازی خدا هستیم!!** یا این خانم صدیقه وسمقی دانش آموخته حوزه علمیه، عضو سابق شورای شهر تهران و استاد دانشگاه های خارج، پس از بازگشت به ایران و گوشمالی دادن ایشان بخاطر مصاحبه های جنجالی، در کتاب جدید خود تحت عنوان "مسیر پیامبری" مدعی شده است"**من وحی را نه انکشاف خداوند بلکه انکشاف فهم انسان از خدا و هستی می‌دانم و بر این باورم که مسیر پیامبری از بالا به پایین نیست. از پایین به بالا است**".

جسورتر ایشان، آرامش دوستدار (۲ خرداد ۱۳۱۰ – ۵ آبان ۱۴۰۰) بود که خود را فیلسوف معرفی می کرد (برنامه پرگار بی بی سی، ۱۴۰۱/۱/۸). حتی همکار فلسفه دان او هم قادر به دفاع از افکار او نبود. دوستدار بهائیان ایران بود که بعدها دین ناباور شد و این جمله او برای قضاوت آرای وجودی او کفایت می کند زیرا قضاوت او از دین مردم ایران کلی است: **فرهنگ ایرانی فرهنگی دین‌خو است پس قدرت اندیشیدن ندارد**. خوب معلوم است **آدم که دستش خط کش نباشد قلم آدم دستکش می شود.**

چرا اینقدر دور از شاخص حرف می زنید؟ امان از رفاه طلبی، کینه توزی، خودنمائی، شهرت طلبی، بقیه اش بماند. خانم وسمقی و امثال سروش حداقل برای این آیه توجیه نیآوردند:

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَى إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ–و هر گاه برای آنان آیاتی نیاوری می گویند چرا آن را خود برنگزیدی بگو من فقط آنچه را که از پروردگارم به من وحی می شود پیروی می کنم این [قرآن] رهنمودی است از جانب پروردگار شما و برای گروهی که ایمان می آورند هدایت و رحمتی است (اعراف/۲۰۳)

توضیح شکل ۷ را بخوانید. درجه علمی اسلام را بشناسید. شاخص های علمی اسلام را بخوانید. به تک تک حروف آیات قرآن خدا تعظیم کنید. قرآن تنها کتاب علمی دنیاست. به خود غره نشوید. شما هیچ در هیچ هستید. شما ناخن کوچک شخصیت های قرن طلائی سوم و چهارم اسلام و بعد از آن هم نیستید. سرتان را گذاشتید زمین تمام. حتی کسی سراغ مقبره شما را نخواهد گرفت. در حالیکه ایشان "همه‌چیزدان های" دوران خود بودند. از همه بلاد اسلامی بودند. بعضا تازه مسلمان بودند. تا امروز هم نام معتبر دارند. زیرا از راسخون فی العلم و حداقل أُولُو الْأَلْبَابِ بودند. هرگاه خواستید از اسلام انتقاد کنید اول شاخص های آن را بشناسید بعد نقد کنید.

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ – خداوند بر آن نیست که شما مؤمنان را بر آن حالی که اکنون هستید رها کند، مگر اینکه (با پیش

آوردن آزمایش‌های پی در پی) ناپاک را از پاک جدا کند و نیز بر آن نیست که شما را بر غیب آگاه کند. **ولی خدا از میان فرستادگانش هر کس را بخواهد برای آگاه کردن به غیب برمی گزیند**، پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورید. و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود (آل عمران/۱۷۹).

شاید منظور این خانم محترم، پیامبران بعد از این یا دوره قاجار باشد.

زیرا طبق آیه فوق پیامبران را خود خدا انتخاب می کند نه بواسطه عبادت و ریاضت که اکثر ایشان قبلا از مبعوث شدن، نماز دین خود را هم نمی خواندند. زیرا از آداب آن بی اطلاع بودند. بلی می شود گفت روزه خود را به نحوی از انحا می گرفتند. زیرا روزه گرفتن بر همه امم واجب شده بود: یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ- ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده ، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید (بقره/۱۸۳).

این نشان می دهد چقدر افراد تحت تاثیر جشنواره های اسکار و انتخاب ریاست جمهوری های رنگارنگ کشورها هستند. چقدر گرفتار زمین هستند. گوئی قصد رفتن به آن دنیا را ندارند. آیا خدای بزرگ اینقدر در برابر چشمان ایشان کوچک شده است؟ یا خدا اینها را اینقدر کوچک کرده است؟ قفل بر دل اما نه بر زبان ایشان بسته است. **هنوز جوهر قلم من در پاسخ به القائات غیر علمی آقای سروش خشک نشده است که یک تفکر قارچ گونه ائی دیگر سر از نیم خاک-نیم کمپوست بیرون آمد** (مراجعه شود به دو نوشته من تحت عناوین"پیام آسمانی: هم خوانی کار سلول با کار انبیا، ۱۳۹۵" و "بهسازی یا بازسازی دینی؟ کدامیک؟ ۱۳۹۵"در همین سایت).

امثال دکتر شریعتی می روند از غرب تحفه می آورند اینها تخمه آورده اند! یا تخمه را آنجا شکستند و پوسته هایش را به صورت سخنرانی و کتاب به ما می فرستند.

اینکه قرآن نمره۲۰ از ۲۰ به علم می دهد برای همین است. حتی سواد ندارند سیگنالینگ یا تراسانی پیام(signal transduction) را در موجودات تک سلولی (باکتریها) بفهمند(جزئیات بیشتر در فایل Plant-bacterial Pathogenesis-Part2 وبسایت تخصصی من به آدرس http://www.phytobacteriology.com و به زبان فارسی در ویکی پدیا، ۲۰۲۱)، تا چه رسد به سیستم های سیگنال دهی یا پیغام رسانی پیچیده ائی که در درون یک سلول از موجودات عالی و عالی ترین ایشان، انسان و انسان دانشمند رخ می می دهد. حالا اینها را ضرب کنید به میلیاردها میلیارد سلول بدن انسان (حدودا ۳۷ تریلیارد) تا بدانیم بدن انسان چون موجودات دیگر ماشینی از پیام آوران و پیامبران مختلف است. ساعتی از هزاران ساعت وجود.

حالا یک فردی شایسته ائی به یک مقام عرفانی می رسد یا مثل پیامبران به معراج می رسند صاحب چه پیام هائی می شوند. والله اعلم. اساسا جنس این سگینالها متفاوت است. زیرا در بین شنوندگان پیام های وحیانی پیامبر(ص) یکی گفت صاحب پیام مجنون است. آن دیگری گفت شعر است. آن سومی گفت پدران ما، ما را از چنین پیام هائی آگاه نساخته باند. بدترین ایشان هم پیام ها را قطعه قطعه کردند تا به گوش کسی نرسد و اگر هم رسید سعی کردند گوشخراش باشد.

باید زبان های متعدد باکتریها (languages) و ساختمان های ملکولی این صداها را یکی بلد باشد تا بداند دستکاری در صدا به چه معنی است؟ یک تغییر ناچیز در ساختار مولکولی یک صدای ناچیز باکتریها، آن صدا را بر دیگر باکتریها همجنس برای همیشه غیر ممکن می سازد (مراجعه شود به مقاله نماز جعبه نور (Lux Light Box) نماد اسلام، ۱۳۹۵ در همین سایت). اتفاقا یکی از روشهای کنترل بیماریهای باکتریائی دستکاری در صدای آنهاست.

حالا معنی دو آیه و آیات مشابه دیگر را بخوانند بدانند دارند چه می کنند؟ وهن می کنند یا ظن؟ به جنگ خدا می روند و یا به جنگ ستارگان؟ دست به آتش می برند یا قعر آتش می برند؟

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ- آنان که قرآن را (به میل خود و غرض فاسد خویش) جزء جزء و پاره پاره کردند (بعضی را قبول و بعضی را رد کردند) (حجر/۹۱).

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ- از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند هر حزبی بدانچه پیش آنهاست دلخوش شدند (انبیا/۳۲).

کشف این صداهای زیبای خلقت از آیات قرآنی گرفته تا آیات ارضی و سماوای با راسخان علم است و نه حتی صاحبان خرد یا اولوا الالباب.

متاسفانه در منابع اسلامی، راسخان علم (ائمه اطهار) با خدا یکی گرفته شده است. در حالیکه علم با سوادترین انسان کجا و علم خدا کجا؟ این اشتباه برداشت را در موضوع دابه الاض هم داشتند (مراجعه شود به مقاله دابه الارض- جنبده زمینی که از زمین بیرون می آید و با مردم سخن می گوید،۱۳۹۵ در همین سایت). هر جا کم آوردند منتسب کردند به ائمه اطهار. درحالیکه مقام ایشان اجل از این حرف هاست. بلی مواردی بود که چنین اظهار نظری از ایشان نقل شده است. از جمله این نقل قول از علی (ع): کجایند آنان که به دروغ و تجاوز گمان برده اند که آنها راسخان در علم اند، نه ما؟ آنها از این رو، به این گمان رفته اند که خداوند ما را رفعت بخشیده و آنان را پایین نشانده است (سایت راسخون نت ذیل نوشته معنا شناسی راسخون در علم).

اما مقام ایشان و ابعاد وجودی ایشان متفاوت بالاتر از این مدارج است. زیرا ایشان علاوه بر راسخین در علم، سلسله الذهب هم بودند. از برگزیدگان بودند. ژن برتر هم بودند. تاریخ ساز هم بودند. ناجی هم بودند. شب زنده دار هم بودند. شهید هم بودند. شاهد و الگوی مردم هم بودند. مردم مومن بواسطه ایشان از خدا التماس دعا دارند (مراجعه شود به مقاله دابه الارض- جنبده زمینی که از زمین بیرون می آید و با مردم سخن می گوید،۱۳۹۵ در همین سایت).

در جایگاه علی (ع) و به تبع آن دیگر ائمه همین یک روایت از رسول الله (ص) کفایت می کند:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ- من شهر علمم و علی درِ آن شهر است. هر که دنبال علم است، باید از این در وارد شود.

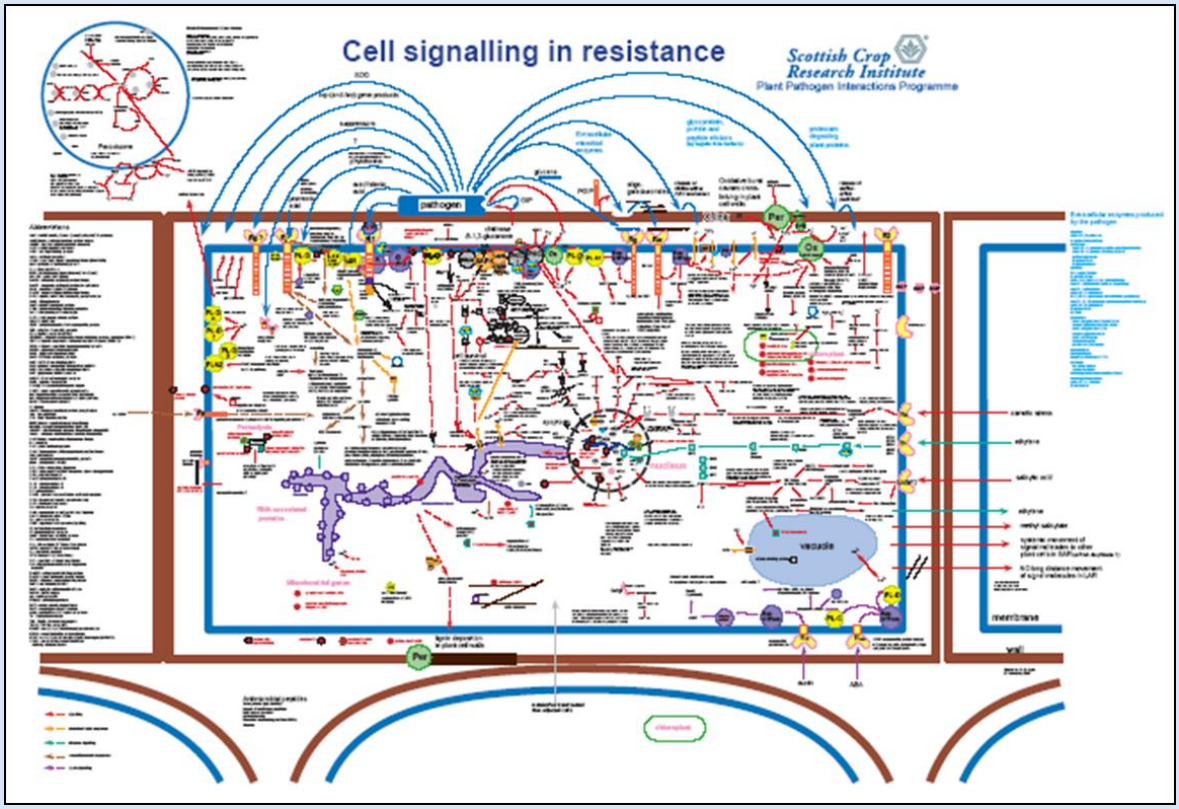
درس عبرت ما

ای آنهائی که از وحی می گوئید ابتدا از این سگینالهای ناچیز اما پرنور بگوئید. از تراسانی سیگنالهای سلولی بگوئید. ما که کاشف اینها نبودیم حداقل آداب نادانی را بدرستی بجا بیآوریم. در جای جای این سایت نوشتم کسی که علم سلول و فیزیک و نجوم و ریاضی را نمی داند خواهشا وارد معقولات کلان الهیاتی نشود. افتخار این کتاب به علم است. به شاخص های علمی است. به تربیت شدگان این مکتب است. امروز دیگر، دوره لغت بازی نیست. برای هر حرفی سند و مدرک کافی لازم است. قرآن تنها کتاب شاخص کل و جزء تمام خلقت است که به بشریت تقدیم شده است:

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِی یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ کَانَ غَفُورًا رَحِیمًا – بگو: این کتاب را آن خدایی فرستاده که از اسرار آسمانها و زمین آگاه است همانا او بسیار آمرزنده و مهربان است (فرقان/۶).

لطفا در این کتاب خدا برای نجات خلق خدا تشکیک ایجاد نکنید. بفکر خود هم باشید. این آیه را هم بخاطر بسپارید: لَا تَدْعُوا الْیَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا کَثِیرًا– (روز قیامت) به آنان می گویند امروز یک بار درخواست مرگ نکنید، بلکه بسیار درخواست مرگ کنید (فرقان/۶).

(مراجعه شود به نوشته دیگر من تحت قرآن جعبه نور (Lux light box) نهاد اسلام– قسمت ششم،۱۴۰۱ در همین سایت).



شکل ۵– تصویری شگرف از شبکه بسیار پیچیده سیگنال دهی (پیام رسانی) در درون یک سلول گیاهی که در معرض حمله عوامل خارجی قرار گرفته است. ابر و باد و مه وخورشید در این سلول ترکیبات متعدد است. ژنهای متعدد است. هر پیغام (سگینال) خارجی ز طریق چندین مسیر مشخص (pathways) توسط رله کنندگان صدا تقویت و به مرکز هسته ابلاغ می شود (signal transduction). تصمیم برای هر نوع واکنش مقتضی با ژنهای داخل هسته سلول و فاکتورهای رونویسی است.

برای همین است می گویم با این خردهای ناچیز از در پشتی نبوت و امامت وارد نشوید. در حالت مستی و خستگی و نفرت از این و آن سخن های نابجا بر زبان نرانید. کتابهای مهمل ننویسید. با دو تا لغت به سواد خدا ایراد نگیرید. به صواب خدا، به میلیاردها میلیارد ساعت خدا که کنترل این جهان را به چندمین هزار هزار میلیاردم ثانویه بر عهده دارند ایراد نگیرید. هیچکس نمی داند در معراج بین خدا و و رسول خدا چه گذشته است جز آن مقداری که در قرآن و روایت معتبر درج شده است (مقاله شرح معراج نبی اکرم و مکرم (ص)–حوادث قبل و بعد از آن در همین سایت)!

نخواستیم خاک یک سیاره چون زمین را تولید کنید. خاک تمام کرات آسمان را تامین کنید. مقدارش را بگوئید کافی است. یک گرم خاک زمین را در آشپزخانه فکر خود تولید کنید کافی است.

نخواستیم نور خورشید را تولید کنید. نور دلتان را تنظیم کنید کافی است.

اسم اجداد دور خود را بدانید هم کافی است.

آدم خالق قدر خالق خود را بیشتر می داند. آدم جاهل قدر جهل خود را هم نمی داند.

ادعای اسلام شناسی و یدک کشیدن استاد فلان دانشگاه بهمان پژوهشگاه برای شما ممکنست حقوق ماهیانه تامین کند اما عاقبت بخیری را بهمراه نمی آورد. از اینها دنیا زده تر افرادی هستند که با جهل به جنگ جهل می روند. مثلا یکی از اینها در پاسخ به رد وحی و انتخاب پیامبری از سوی خدا گفته: با مدل سنتی وحی، که قرآن را "عین" کلام خدا می‌داند موافق نیستم و یک راه حل وسط را پیشنهاد می‌کنم که هم خداوند نقش فاعلی را در انتقال وحی دارد و هم پیامبران به مرحله‌ای از تجربه می‌رسند که شایسته دریافت وحی می‌شوند (سایت بی بی سی فارسی، ۲۵ آذر ۱۴۰۰).

هفتاد سال عبادت شما و تحصیلات حووزی شما نه تنها شما را متدین نکرد بلکه دین و اعتقاد هزار ساله مردم را از مردم گرفت. بروید داستان ادیان ابراهیمی بخوانید (مراجعه شود به مقاله من تحت عنوان "ادیان ابراهیمی،۱۴۰۰" در همین سایت). ببینید چقدر با این برداشت های غلط به ساحت خدا، به علم خدا، به مشیت خدا، به تربیت انسانهای برتر خدا توهین می کنید. همانطوریکه در آیه فوق آمد برگزیده شدن به مقام پیامبری، انتخاب هیچیک از پیامبران و مشاورت هیچکدام از فرشتگان مقرب نبوده الا با انتخاب مستقیم خود خدا که عالم غیب است. لاشریک است. قادر مطلق است.

در مورد بعثت حضرت پیامبر (ص) قرنها سپری شد تا زیر نظر خود خدا یک گوهری صیقل خورد. یتیم بود اما پیامبر شد. در همان منبع فوق این جمله را حتما بخوانید. می دانم اسلام شناس هستید اما بخوانید شاید اسلام شناس تر شدید".

از نسل حضرت اسماعیل (ع) فقط یک پیغمبر آنهم خاتم انبیا حضرت محمد (ص) مبعوث شده است. آنهم نه بلافاصله چون سلسله انبیای بنی اسرائیل از نسل آل اسحاق بلکه پس از گذشت ۲۱ نسل از یک پدری بنام عبدالله و مادری بنام آمنه. حتی ما جلوی اسم ایشان صلوات و علیه السلام هم نمی نویسیم. بعد شما می گوئید محمد (ص) از سر معرفت و انکشاف خود پیامبر شد؟ خجالت دارد. شستشوی دهن می خواهد. استغفرالله دارد. رفتید مدینه خواهشا در ابتدای درب ورودی به روضه رضوان طلب مغفرت بکنید. همین پیامبر خاتم با تمام عظمتش و جبروتش پیام را بدرستی ابلاغ نمی کرد مجازات می شد. چقدر سبک سری و سهل انگاری؟

یا اَیها الرَّسُولُ بَلِّغ ما اُنزِلَ إلیکَ مِن ربِّکَ وَ إن لَم تَفعَل فَما بَلَّغتَ رِسالَتَهُ وَ اللّهُ یعصِمُکَ مِنَ النّاسِ إنَّ اللّهَ لا یهدِی القَومَ الکافِرین- ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است (بطور کامل به مردم) ابلاغ کن و اگر چنین نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای، خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد، و خداوند گروه کافران (ناسپاس) را هدایت نمی‌کند (مائده/۶۷).

شما که علم ژنتیک نمی دانید. شما که در عمرتان یک شجره ساده علمی را ترسیم نکردید چگونه به خود جرات می دهید از شجره پیامبران بگوئید؟ شما با این نوشته ها و گفتارها این نسل متزلزل را از خدا گریزان تر می کنید. بنظر من هیچ فرقی بین شما و قوم نوح و عاد و ثمود و یهود نیست.

شاخص علم را من از ۲۰ عدد ۲۰ گرفتم خودتان پس از خواندن مقالات من و زیر شاخص های زیر به خود نمره بدهید:

ردیف	هدف از علم	نتیجه	ضریب تاثیر
۱	برای تظاهر به علم	فرصت	۴
۲	برای ارتقای علمی خود	معرفت	۱۵
۳	برای رفاه حال و امنیت جان مردم	بصیرت	۱۷
۴	برای تفوق و جنگ افروزی و تحمیر افکار	قساوت	-۱۰۰
۵	برای تخریب زمین	مصیبت	-۲۰
۶	برای آموزش نسل بعدی	فضیلت	۲۰
۷	برای خوش خدمتی به دشمنان دین و ایران	رذیلت	-۱۱۰

جدول ۱-ارزیابی درجه علمی نخبگان یک کشور اسلامی با شاخص های کمی و کیفی متعدد که ذیلا خواهد آمد.

این قارچ های نرویده ز خاک چه می گویند
از خاک می گویند یا از افلاک می گویند
نه! مهمتر از اینها از وحی و نبوت می گویند
بغایت پر رو هستند از پر روئی می گویند
می گویند وحی، خواب رویائی است
وهم شب است و شب میهمانی است
خدا را شناخت او هم وحی خود را داد
وهم داشت وحی خدائی داد
این چه استدلال پای چوبینی است
آیا خدا خدا گفتند چنین سخن گفتند
یک پر سیمرغ داشتند این چنین گفتند
علم چه داشتند از علم روز گفتند

واژه سازان عنتر از عیب و ایراد دین گفتند

از رسول الله مدینه العلم گفتند

از علی بابها، باب خود را گفتند

هزار مدرسه نرفته انیس و مونس شد

این غرب رفته غریب منزل شد

دشمن دین عالم شد

دین ابراهیم و اسماعیل و هاجر شد

از عبدالله و آمنه رسول الله شد

از این نو عروسان عشوه دیگر شد

خلایق هر چه لایق اینهم لایق ما شد

هزار بگذرد این نیز بگذرد گذار دنیا شد

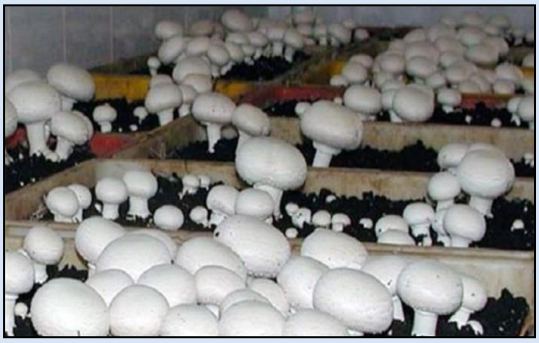
مسیری که رفتند شد

در این دنیا یکی هم وسمق ایران شد

یکی هم سروش شیطان شد

عطاردی است اعتماد ما شد

قضاوتی است نصیب ما شد



شکل ۶. کمپوست بستر مناسب کشت قارچ خوراکی.

فرد محاسب روزها و روزه ها و روضه ها و معیارها در این ممالک اسلامی، شکننده و منزوی است. آسیب پذیر است. کمتر مقبول است. زبان نقد دارد. کتاب سرو دارد. نشان عقل دارد. مثال یار دارد.

ای خدا یک خط کشی دادی به دستم

طاقت من را شکسته

از برون بیرون شکسته

از درون اندر شکسته

جنس چوب است بد شکسته

بار چوب است چون شکسته

تاج و تخت از دم شکسته

رعد و برق با هم شکسته

حرف ندارد خط شکسته

هرچه گویم او شکسته

خط کش از خط شکسته

رنگ و رو از من شکسته

از من این دست شکسته

بر تو از رو شکسته

حدودالله

حد اگر گفتم حدود است

حد تو در یک حدود است

شرع تو با یک حدود است

شعر تو دیگر حدود است

لاقیاس الا حدود است

حد آدم یک حدود است

در قضاوت یک حدود است

در اطاعت یک حدود است

فوق این باز هم حدود است

لافتی الا حدود است

مبتدی ماه حدود است

مقتضی قفل حدود است

مصطفی مُهر حدود است

مرتضی مزد حدود است

ارزیابی یک عالم/یک هنرمند/یک شاعر/.. بر اساس دو رتبه شخصیتی منحصر بفرد قرآنی:

قدر مسلم این افراد باید جامع شرایط باشند. جامع تمام صفات خوب باشند. در وزن دهی شاخص ها، حائز بالاترین امتیازها و برتری ها باشند. در غرب به ایشان جایزه نوبل می دهند، جایزه اسکار می دهند، مدل فیلدز می دهند (مرحوم خانم مریم میرزاخانی)، جایزه مصطفی برای دانشمندان جهان اسلام در ایران می دهند، و الی آخر.

اما اینها شاخص ها و معیارهای وافی و کافی برای ارزیابی دلسوزان عالم اسلام و دنیا نیستند. شاخص های ارزیابی ایشان در نزد خداوند خالق زیبائی هاست. در نزد مردم است. در حافظه تاریخی مردم است.

دو لفظ/تعبیر قرآنی که می تواند بعنوان دو مرتبه مهم قرآنی برای دانشوران عالم اسلام مدنظر باشد:

۱) الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ (ثابت قدمان علم)

۲) أُولُوا الْأَلْباب (خردمندان).

این دو گروه از فیلترهای مختلفی رد می شوند. فیلترهای ثابت قدمان علم نامعلوم است. اما صاحبان خرد معلوم است.

شاخص های امروز پایگاه های استنادی هم بی تاثیر از این شاخص ها نیستند منتها در یک محدوده خاص علمی و بیشتر هم مقاله و نوع آوری و محصولات علمی.

امروز برای جهان اسلام چنین شاخص هائی منتها در مراتب پائین تر ضروری است. زیرا این دو شاخص به ترتیب قله و دامنه کوه بلند عالم اسلام است. هر بلائی که در طول قرنهای متمادی بر سر این جهان آمده مقلد بودن کورکورانه و نه هوشمندانه از غرب بوده است. همه را با یک مدرک دکتری استاد و پروفسور کردیم. بدون اینکه لیاقت یکی از این شاخص ها داشته باشند. از آنور دلسوزانی را داشتیم که بجای فخر به ایشان، سرشان را بر باد دادیم. حتی به مزارشان هم سر نزدیم. ایشان از اوتاد بودند. از دانشمندان دلسوز بودند. نجات بخش بودند. یک کتاب که می نوشتند و یا یک

سخنرانی می کردند در کل جوامع اسلامی طنین انداز می شد. به من باشد یک پایگاه متفاوت از همه پایگاه های استنادی برای دانشمندان و دلسوزان و شهدای حداقل ایران زمین تهیه می کردم.

واجدین این دو مرتبه علمی قرآنی چه کسانی هستند و دارای چه ویژگی های متمازی هستند؟

۱. الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ (Rasekhoon fil Ilm) یا راسخان در علم، استواران علم، ثابت قدمان در علم. جمع راسخ است. معنای آن به زبان انگلیسی عبارتند از: آن firmly rooted in science; firm in knowledge; the well-established). مخفف انگلیسی آن RFI.

۲. أُولُوا الْأَلْبَاب (ulī l-ʾalbāb) یا صاحبان خرد، خردمندان. به انگلیسی به معنی اولین ذهن ها و علم ها است (first minds). مترادف های دیگر آن در زبان انگلیسی(men of understanding, people of reason, men of mind, wise, intellingent people). مخفف انگلیسی آن ULB.

تفاوت های بارز بین صاحبان خرد (أُولُوا الْأَلْبَاب) با راسخان علم (الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ):

۱. برخلاف أُولُوا الْأَلْبَاب (صاحبان خرد) که ۱۶ آیه ناظر بر صفات ایشان و شاخص های معین ایشان است. در مورد الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ فقط دو آیه وجود دارد.

۲. مصادیق أُولُوا الْأَلْبَاب مشخص و روشن و در مورد الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ تردید و تشکیک و توهم زیاد است.

۳. قدرمسلم، ارج و قرب الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ بالاتر از أُولُوا الْأَلْبَاب است.

۱. راسخان/راسخون علم (الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ):

اما علت اینکه تنها دو آیه بر وجود ایشان اشعار دارد زیرا تعداد نفرات ایشان در عالم اندک است. مقامی دارند کمتر دست یافتنی. ذوقی به علم دارند ستودنی. تنها به علم نفوذ کردند بلکه غریق علم اند. ریشه در علم دارند. در علم رسوخ کرده اند. همچنانکه مرکب روی کاغذ و دانش در قلب تثبیت شده است، یا کوه ها در زمین (راسخ رسوخ الجبال) فرو رفته اند. به تعبیر من تمام سلولهای وجودی ایشان به جای گفتن انا الحق، انا العلم می گویند. از امام کاظم (ع) آورده اند که فرمود: ایشان علم و خرد الهی دارند. دارای معرفت و بصیرت هستند. بیم از خدا دارند و همیشه در پیشبرد علم ثابت قدم و راسخ العلم هستند (معنا شناسی راسخون در علم در سایت راسخون نت).

اولین آیه درباره راسخون در علم: آیه ۱۶۲ سوره نسا. محل نزول مدینه:

لٰكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا- لیکن کسانی از اهل کتاب (کسان دیگر کافر آیات خدا بودند. گوساله پرست بودند. منافق بودند پیمان شکن بودند. پیامبر کش بودند. ربا خوار بودند. حرام خوار بودند. آیات ۱۶۱-۱۵۳ سوره نسا) که راسخان در علم هستند و نیز مومنین اهل کتاب (دو گروه برجسته اهل کتاب) به تو (رسول الله) و به آنچه قبل از تو نازل شده ایمان دارند و به ویژه مؤمنانِ دیگر آنان که نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند، به زودی خدا آنان را اجر و ثواب عظیم عطا خواهد کرد.

ترجمه های متفاوت از آیه فوق ارائه شده ست. ترجمه فوق از آقای الهی قمشه ائی است. در ترجمه های دیگر معلوم نیست آیا راسخون فی العلم از نماز خوانان و زکات دهندگان اهل کتاب هستند یا خیر؟ قطعا جزو زکات دهندگان علم هستند. طبق آیات متعدد و نیز آیه زیر واضح است که راسخون در علم نباید فقط خاص اهل کتاب باشند. قرآن نیآمده است که تفسیر آیات متشابه قرآن را بدست اهل کتاب بسپارد. مومنین اسلام از مومن ترین مومنان دنیا هستند. امیرالمومنین ها و امامان علم واقعی و نه جعلی که تعدادشان هم کم نیست در اسلام تربیت شده اند. ایشان نه تنها نماز و روزه و زکات داده اند که در راه خدا شهید هم شده اند.

طبق تعریف آقای جوادی آملی از راسخین در علم، علم در وجود ایشان رسوب و رسوخ کرده است. علم ایشان عین عمل ایشان و عمل ایشان عین علم ایشان است. ایشان علمای حقیقی هستند (نوار سخنرانی آقای جوادی آملی در تفسیر آیات ۱۶۴-۱۶۲ سوره آل عمران).

قطعا ایشان از برگزیدگان غیر پیامبری هستند. حدواسط بین انبیا و أُولُوا الْأَلْباب هستند. همه گوش ها در غیاب پیامبران به دهان ایشان است، به اخلاص عمل ایشان است. به یافته های علمی ایشان است. می یابند تا مردم در آسایش باشند. می سوزند تا جوامع در زیر نور رشد کنند. ایشان قطعا انسانهای فرامرزی هستند. منتخبین علمی خدا هستند. متعاقبا به جزئیات صفات ایشان خواهم پرداخت.

دومین آیه درباره راسخون در علم: آیه ۷ سوره آل عمران. محل نزول مدینه:

هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ مِنْهُ آیاتٌ مُحْکَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتابِ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلاَّ اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَ ما یَذَّکَّرُ إِلاَّ أُولُوا الْأَلْبابِ- اوست خدایی که قرآن را بر تو فرستاد برخی از آیات آن محکم (روشن و صریح) است و برخی دیگر متشابه است (چندان روشن و صریح نیستند). تفسیر آیات متشابه به کمک آیات محکم است. امّا کسانی که در دلهایشان انحراف است، به جهت ایجاد فتنه (و گمراه کردن مردم) و یا تفسیر به رای خود، به سراغ آیات متشابه می‌روند، در حالی که تفسیر این آیات را جز خداوند و راسخان در علم نمی‌دانند. آنان که می‌گویند: ما به آن ایمان آورده‌ایم همه‌ی آیات از طرف پروردگار ماست (خواه محکم باشد یا متشابه)، و از این جریان تنها خردمندان (إِلاَّ أُولُوا الْأَلْبابِ) آگاهند (تفسیر به روز شده این آیه در صفحات بعدی).

اختلاف نظر علما درباره راسخان علم (الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ):

اختلاف اهل تشیع و اهل تسنن در اینست که غالب شیعیان می گویند راسخان در علم، اول رسول الله است بعد هم ائمه اطهار. زیرا تفسیر و تأویل آیات (درک اسرار و معانی عمیق آیات نظیر تعبیر خوابی که حضرت یوسف دید و بعد روشن شد و یا اسراری که در شکستن کشتی توسط خضر و موسی بود که بعد روشن شد و نیز زمان برپائی قیامت) را جز ایشان نمی دانند (منبع به ترتیب سایت اسلام کوئست. نت و سایت فارس نیوز و مقاله تحت عنوان مسأله فهم متشابهات قرآنی از دیدگاه فریقین).

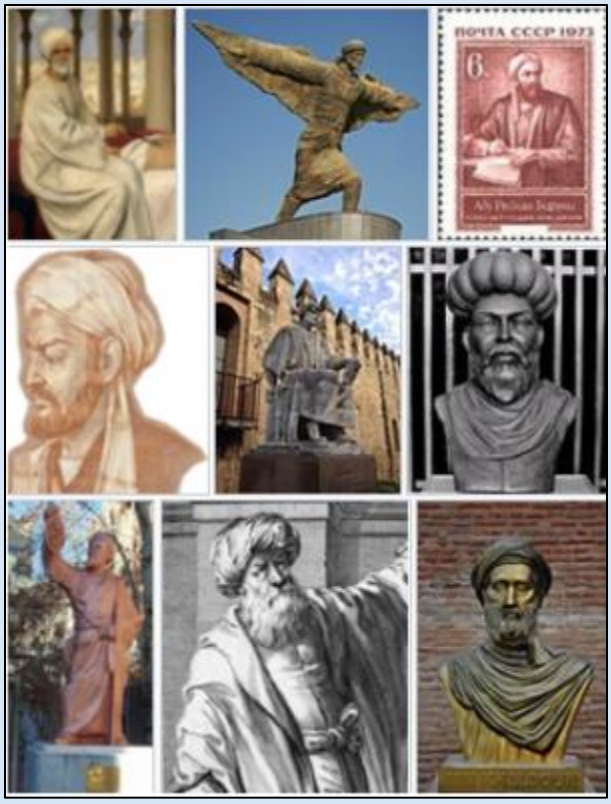
من در اینترنت نیافتم که در صدر اسلام یک فردی از اهل کتاب را بعنوان راسخان علم معرفی کنند. قطعا اگر یک نفر بعنوان مصداق این آیات معرفی می شد همگان حساب کار خود را می کردند و اینقدر صغرا و کبری نمی چیدند. نمی گفتند این آیات هم جزو متشابهات هستند.

اما من می دانم همه ایشان جزو مخاطبین سلام سوم نماز ما هستند (مراجعه شود به مقاله من تحت عنوان تکمله فلسفه و اسرار نماز،۱۳۹۵ در همین سایت). **پرسش: چرا آشکارا اعلام نمی شود زیرا ما مسلمانان و حتی مومنین ترین ماها، ظرفیت شنیدن و دیدن و تحمل ایشان را نداریم! شاید از دید ما کافر باشند! شاید اهل جهنم باشند!** این عبارات را ساده نه انگارید. عین واقعیت است. گفته شده است علمای بزرگ شیعه را هم جزو راسخین در علم نیستند (نوار سخنرانی آقای جوادی آملی در تفسیر آیات ۱۶۴-۱۶۲ سوره آل عمران). زیرا ایشان به باطن قرآن آگاه نیستند.

برعکس، در بین اهل سنت مفسرینی مانند مجاهد و ربیع و محمّد بن جعفر بن زبیر و عبد اللّه عباس هستند که معتقد بودند کلمه الراسخون معطوف بلفظ جلاله اللّه است ولی راسخون در علم هم به علم تأویل آگاهند وگرنه روشنی و صراحت قرآن از بین می‌رفت (دانشنامه اسلامی و سایت حوزه نت). اما این دیدگاه مخالفان برجسته خود را دارد. بطورمثال، برخی از صحابه و تابعان ایشان مانند عایشه، ابن عباس و حسن بصری و تعدادی دیگر از متشخصین چنان به این موضوع حساس بودند که می گفتند **حین قرائت این آیه به محض رسیدن به این بخش از آیه"وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلاَّ اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ" در کلمه الله متوقف شوید تا لفظ الله و راسخون با هم ادا نشوند** (جعفر نکونام، ۱۳۸۷ تفسیر معناشناسانه آیه محکم و متشابه). زیرا این آیه را نباید متصل خواند بلکه باید منقطع خواند. زیرا تاویل آیات متشابه از امور قابل درک بشر نیست و خدا فقط از آن آگاهی دارد. **برخی هم چون ابن عباس خود را از زمره راسخون فی علم می دانستند و از ایشان نقل شده است که می گفت من بر تاویل آیات قرآن مجید آگاه هستم** (پرتابل جامع علوم انسانی).

در اینجا تنها مشکل "واو" نیست واویلای های دیگر هم هست. ما مسلمانان را بگذارند مدعی همه دانش روز هستیم. مدعی نایب زمان هستیم. مدعی امیرالمومنینی هستیم. آب نیست و گرنه شناگرهای ماهری هستیم. اما اگر بپرسی شاخص شهرت ایشان چیست؟ در می مانند! آیا یک فردی از ایشان را می توانی نام ببری در می مانند! چرا اینقدر خر در گل مانده ایم؟ ساکت می مانند. زیرا خداشناسی همه ما ضعیف است. ایمان به آیات ما ضعیف است. به خدا نزدیک دور هستیم.

کتاب نوشتن را علم می دانیم. مقاله نوشتن را علم می دانیم. کپی برابر با اصل را علم می دانیم. اما فرمول نسبیت انیشتین را بلد نیستیم. چه کسی برای اولین بار به علم کوانتم دست یافت نمی دانیم. مسلمانان در این چند سده چه مشارکتی در پیشبرد علم داشتند؟ نمی دانیم. اما این را خوب بلدیم به محض اینکه رمز و رازی از این عالم بدست علمای بنام گشوده شد ما مثل آن را از قرآن می آوریم: "فیزیک کوانتم و سوره علق!" "هفت در جهنم و علم کوانتم در قرآن!". اینترنت پر است از این عناوین. کسی هم که نمی پرسد اگر کتاب شما منبع کشف اسرار است چرا تا به حال دست بکار نشده اید. یک نمونه از آن را فرموله نکردید؟ چرا در علم و هنر در قرن چهارم و پنجم مانده اید (دوره طلائی اسلام. ویکی پدیا،۲۰۲۱)؟ چرا تا امروز یک جایزه نوبل به یک مسلمان تعلق نگرفته است؟ اگر ما نبودیم شما در کجای علم قرار داشتید؟



شکل ۷. ساعتگرد از بالا: ابوالقاسم زهراوی (پزشک و جراح متولدغرب اندلس از بلاد اسپانیا. از او بعنوان پدر جراحی مدرن یاد می شود)، عباس بن فرناس (دانشمند، فیلسوف، مخترع، فیزیک دان، شیمی‌دان و شاعراهل تاکُر اندلس)، ابوریحان بیرونی (دانشمند و همه چیزدان، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، تقویم‌شناس، انسان‌شناس، هندشناس، تاریخ نگار، گاه نگار و طبیعی‌دان ایرانی)، ابن سینا (همه چیزدان، پزشک، ریاضی‌دان، اخترشناس، فیزیک‌دان، شیمی‌دان، جغرافی‌دان، زمین‌شناس، شاعر، منطق دان، فیلسوف، موسیقی‌دان و دولت مرد ایرانی و از مشهورترین و تأثیرگذارترینِ فیلسوفان و دانشمندان ایران زمین و جهان است)، ابن رشد (همه چیزدان و فیلسوف نامدار اسپانیایی و مسلمان)، ابن نفیس (دانشمند مسلمان سوری جامع العلوم کاشف گردش ریوی خون)، محمد بن موسی خوارزمی (ریاضیدان، ستاره شناس، جغرافیدان، فیلسوف و مورخ و همه‌چیزدان ایرانی)، ابن هیثم (ریاضی‌دان، اخترشناس، و فیزیک دان عرب. از او به عنوان پدر نورشناسی مدرن یاد می شود)، ابن خلدون (تاریخ‌نگار و جامعه‌شناس مشهور عرب)(دوره طلائی اسلام. ویکی پدیا،۲۰۲۱).

در ریشه یابی این معضل دست ساز بشری که از صدر اسلام هم شروع شده است یک نکته حائز اهمیت است و آن اینکه نص این آیه شریفه با موازین و مواضع اعتقادی پیروان، مترجمان و مفسران عالم اسلام ناسازگار است. از نگاه ایشان مگر می شود نام افراد عادی هر چند راسخ و ذوب در علم آنهم از اهل کتاب به مقامی برسند که نام ایشان در پی نام الله، ذکر شود؟ این حرف"واو" چیست که بین نام الله و راسخون در علم قرار گرفته است؟

وَما یَعلَم ُتأویلِه إلّا اللهُ والرَّاسِخونُ َفی العِلمِ در آیه۷ سوره آل عمران. خوشبختانه چنین حرفی در آیه ۱۶۲ سوره نسا نیآمده است (لکِنِ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ).

با تمام این بی تدبیری ها و ملاحظات اعتقادی، ادیبان همه نحله فکری عالم اسلام به این تفاهم رسیدند که "واو" عطف به الله دو معنا دارد:

۱) ایجابی و اینکه این افراد دارای گستره و ژرفای علمی هستند، و

۲) سلبی و استینافی و اینکه تحقیق و تتبّع علمی ایشان نامحدود نیست.

پس! این حرف"واو" بین نام خدا و راسخون در علم چه به صورت عطف و چه به صورت استیناف، مورد قبول، جایز و موجّه است (معنا شناسی راسخون در علم). اما ته دلشان تا به امروز راسخون در علم قادر به تاویل آیات متشابه نیستند (نگاهی به احادیث مربوط به آیه شریفه).

برگردیم به ائمه اطهار عالم شیعه و این سخن علی (ع) در خطبه ۹۱ معروف به خطبه أشباح. چرا اینقدر مرددیم؟ واضح تر از این سخنی هست؟

و بدان که راسخان در علم کسانی هستند که از دانستن غیب بی‌نیاز شده‌اند، زیرا به هر آنچه تفسیرش را نمی‌دانند اعتراف می‌کنند. خداوند نیز این اعترافشان به ندانستن آنچه از دایره علمشان فراتر است را ستوده است و این عدم تعمق در آنچه نمی‌توانند درک کنند را "رسوخ" نام نهاده است.

در معنی واژه راسخان کلی اظهار نظر متناقض شده است:

1. **چند ترجمه می نویسند راسخان در علم دین! (در فرمایش بالا و نظر امام علی علیه‌السلام در مورد راسخان در علم)**
2. **بضا با علما اشتباه می گیرند (إِنَّمَا یَخْشَی اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ-بندگان خدا تنها دانایانند که از خدا می ترسند. فاطر/۲۸).**
3. **بعضا با مومنین اشتباه می گیرند (آیات ۱۶۱-۱۵۳سوره نسا).**

این ها یعنی تفاوت از زمین تا آسمان. اتفاقا گرفتاری ها از همین جا شروع می شود. شما را می برند در دو راهی سوره حمد قرار می دهند: راه اول ضلالت و راه دوم نعمت. سهوا شاخص های قرآنی اینگونه در عمل لوث می شوند و کار ارزیابی و تعیین امتیاز ایشان و تمایز ایشان با دیگر صنوف علمی و دانائی با مشکل جدی روبرو می شود.

وقتی چنین شد تعدادی هم می آیند نظرات بینابینی را مطرح می کنند که از نوع نه سیخ بسوزد و نه کباب. غافل از اینکه ما داریم از یک مرتبه علمی سخن می گوئیم که هر کس را شایسته این رتبه نیست:

۱. راسخان در علم دو معنا دارد؛ یک معنای عام که شامل همه افراد می‌شود و دیگری معنای خاص که مخصوص اهل بیت علیهم السلام است (افسردیر و فضلی نژاد،۱۳۹۳).

۲. متشابهات دو قسمند یکی آن که مخصوص خداست و دیگری متشابهی است که بعضی از خواص هم آن را می‌دانند! رد آن توسط فخر رازی: تقسیم متشابهات به دو قسم خلاف ظاهر آیه است (سایت فارس نیوز و مقاله تحت عنوان مسأله فهم متشابهات قرآنی از دیدگاه فریقین).

۳. یا به آیاتی استناد می شود که مربوط به علما است اما نه لزوما راسخان در علم. مثل: إِنَّمَا يَخشَى اللهَ مِن عِبادِهِ العُلَمَاء: خشیت الهی عالمان، در هر رتبه ای به میزان علم و معرفت الهی آنهاست (فاطر/۲۹).

صفات راسخان در علم:

روایاتی زیادی هم از اهل سنت و شیعه نقل می کنند که در آنها صفات راسخین در علم ذکر شده است. از جمله این صفات:

۱. به علم خود عمل می کنند.

۲. برای خداوند خاشعند، نسبت به آنچه مورد رضایت خداست فروتنند، بر بالا دستشان تکبر نمی‌کنند و پایین دستشان را تحقیر نمی‌کنند.

۳. قرآن را مایه آرامش می‌دانند.

۴. علمشان به واسطه طاعت خداوند بدست آمده نه از فکر و استدلالات منطقی.

۵. تعریف بی بدیل از امام فخر رازی (۶۰۶ ه.ق): راسخان در حقیقت، همان استدلال کنندگان هستند و در برابر ایشان، تقلید کنندگان قرار دارند زیرا مقلدان در رویارویی با شبهات دچار تردید می‌شوند ولی استدلال کنندگان هرگز به شک نمی‌افتند (سایت فارس نیوز و مقاله تحت عنوان مسأله فهم متشابهات قرآنی از دیدگاه فریقین).

۶. تعریف بی بدیل دیگر از قاضی بیضاوی (۶۸۵ ه.ق): راسخان همان ثابت قدمان در دانشند و ایشانند که از علم بهره‌مند هستند (سایت فارس نیوز و مقاله تحت عنوان مسأله فهم متشابهات قرآنی از دیدگاه فریقین).

۷. تعریف بی بدیل دیگر از راغب اصفهانی (۵۰۲ ه.ق): سخن تازه‌ای دارد و می‌گوید علامت اینکه کسی در علم راسخ باشد، تحقق دانش در وجودش است و این صفت باید بر او صدق کند و او را زینت دهد، و نیز هیچ شبهه‌ای بر وی عارض نشود و همواره در حال ایمان و دانایی باشد نه این که در حال شک و تردید به سر برد (سایت فارس نیوز و مقاله تحت عنوان مسأله فهم متشابهات قرآنی از دیدگاه فریقین).

۸. تعریف من از ایشان: چون ذرات بنیادی (کوارک ها، اتم ها و...) بی مرز هستند. همه علوم ر اشامل می شوند. کشف یک یا چند مجهول علمی می کنند. مرزهای دانش علم را حداقل یک قرن جابجا می کنند. بعد از ایشان تا مدتها افراد محقق مقلد ایشان هستند تا راسخ فی العلم دیگری در یک نقطه دیگری و با گرایش دیگری پا به عرصه وجود بگذارد. هر کشف ایشان یک پرده از آیات محکمات و متشابهات رونمائی می شود (مراجعه شود به مقاله جهان کوانتوم: ورود به یکی دیگر از عرصه های علمی خدا،۱۴۰۰ در همین سایت).

راه حل برون رفت از این تعدد برداشت ها:

کافیست دایره آیات قرانی را که تجلی همه خلقت خدا در قالب کلمات است را فراتر از این حدود که تاکنون برگزیده ایم بگیریم. علم امروز متفاوت از هر عصر و نسلی است. آیات فقط در قرآن تجلی نیافته است. همه حقایق عالم و همه شگفتی های خلقت، آیات متشابه و محکم خدا هستند. امروز بیش از هر زمان دیگری می فهمیم که خلقت خدا عظیم است. سلولهای آفرینش بی نظیر است. وسعت عالم بی بدیل است.

تولد و مرگ ستارگان دائمی است. روند حرکت عالم بی وقفه است. حضور خدا و هدایت خدا و نظارت خدا بی همتاست. اعمال انسانی چگونه ثبت و ضبط می شوند؟ نرم افزارها و هوش مصنوعی چگونه افراد را زیر نظر دارند. از پشت کامپیوتر جنسیت شما را می شناسند. شما را تعقیب می کنند. در نهایت شما را بخاطر سلیقه فکری متفاوت یا مستوجب پاداش و عقوبت خود می کنند.

معلوم است با تولید علم ایشان، ما همه در تفسیر آیات قرآنی موفق تریم. ضمن اینکه احترام به مقام شامخ ایشان جزو وظایف مسلمانی ماست. ما بعنوان بخشی از جامعه بشری با شعر و شاعری به این مقام که آنها ما را رساندندند نمی رسیدیم. قطعا

1. **راسخین در علم، علم انکشافی دارند. نبوغ ذاتی برای کشف پدیده های ناشناخته دارند.**
2. **بدون مرز هستند.**
3. **از دینشان نباید پرسید**
4. **از کشورشان نباید پرسید.**
5. **باید زبانش را فهمید.**
6. **منتظر شد تا دید کشف او منجر به چند نیم کشف دیگر می شود.**
7. **ایشان تمدن ساز هستند.**
8. **خدا شناس هستند حتی اگر بر زبان نیآورند و یا به زبان انکار کنند.**
9. **مقام علمی ایشان برجسته است اما مقام انسانی ایشان با شاخص های دیگر باید ارزیابی شود.**
10. **همچنانکه مقام همه فرشتگان یکسان نیست.**
11. **هکذا مقام انبیا.**
12. **اما اجر، اجر است. پاداش ایشان بی حساب است (انشالله نوشته بعد را اختصاص می دهم به پاداش های خداوندی).**

بدین ترتیب، چه خود بدانند و چه ندانند، چه اعتراف بکنند و چه منکر باشند ایشان به رسالت خود عمل کرده اند زیرا این راسخان در علم فرمول شناسان بزرگ آفرینش هستند. رمزگشایان برجسته تاریخ هستند. خدا ایشان را دوست نداشته باشد چه کسی را دوست بدارد؟ ایشان را نستاید چه کسی را بستاید؟ در واقع عالم مطلق، علم متبلور در انسان را دوست می دارد.

قدرمسلم این افراد الهامات دارند. افتخارات دارند. خاص اهل کتاب نیستند. خاص یک قرن هم نیستند. بلکه مواهب معارف ایشان شامل همه ابنای بشر می شود. ایشان آشکار کننده آیات خلقت اند. مثل او اما در یک اشل کوچک خلقت را بازآفرینی می کنند. اینقدر در علم تعیین کننده هستند که از یک طرف بر آیات قرآنی نور می اندازند و از طرف دیگر آیات غیر خدائی را برملا می کنند. زیرا فرمول تشخیص ارائه می دهند. این افراد را خدا دوست می دارد. زیرا از زمره یعلمون هستند.

مثل جاهلون نیستند که تردید کنند ادیسون به بهشت می رود یا نه؟ قطعا به بهشت می روند و اگر خدا بخواهد جای خوب بهشت هم می روند. زیرا در این مورد بخصوص، کدام انسان از این نعمت بی بهره بوده است و نیز کدام بخش از زندگی مدیون این اختراع نیست.

هیچوقت نشد من در کلاسهای درس خود به نام ها و شاهکاریهای بی نظیر این بزرگان برسم و برای ایشان فاتحه (رحمت واسعه) نخوانم.

راسخین علم یعنی کاشفین و مخترعین و منتظرین بنام و نه هر نام و نه هر کشف و اختراع و انتظار. هر کشف جدید علمی در هر زمینه ائی در دنیا یک پرده جدید از آیات قرآنی کنار می زند. فرق است بین کسی که تفسیر لغت به لغت قرآن می کند با کسی لغت به فرمول روز می کند. پویائی قرآن به کشف اسرار آن است. دعوت به علم (همه علوم) در قرآن در این راستاست. آیات قرآنی با علم جلا می یابند. با ایمان تداوم پیدا می کنند و با قرائت آنها قلوب انسانها بوجد در می آید.

برعکس، تفسیر به رای های گوناگون، قلب معانی می کنند. حق را ذبح می کنند. آیات را وارونه جلوه می کنند. فرضیه پردازیهای من درآوردی از خود بدر می کنند! نور که تولید نمی کنند هیچ، عامل تاریکی هم هستند. تفکر قبل از رنسانسی دارند. ابا ندارند که می خواهند از قرآن تقدس زدائی کنند. غافل از اینکه سربزنگاه یک مردی از آستین خدا بیرون می آید و چون عصای موسی همه طنابهای پوسیده مارگونه اینها را می بلعد تا ثابت کند دین واقعی افیون ملت ها نیست.

۲. صاحبان خرد (أُولُوا الْأَلْبَاب)

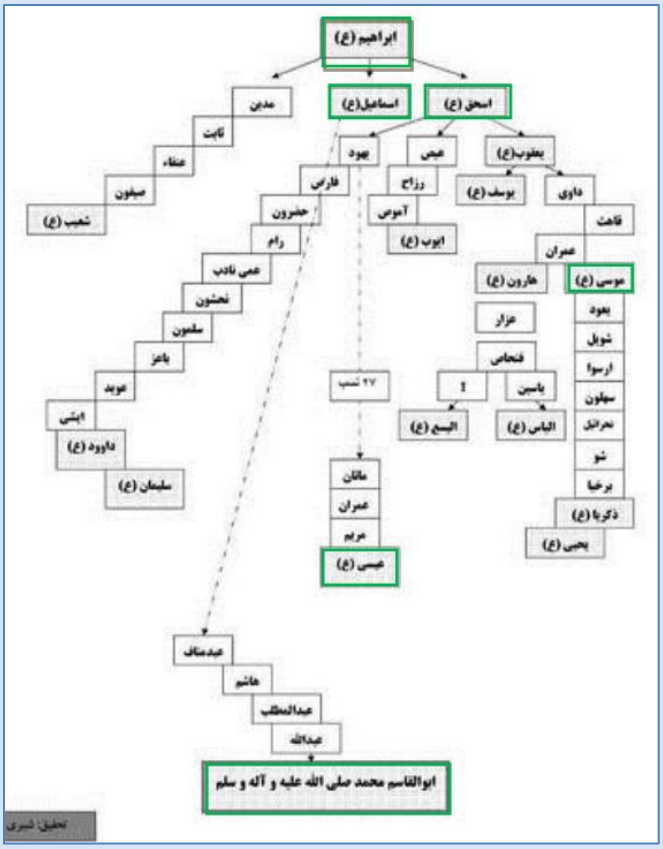
برای این مرتبه علمی دیگر مشکلی نیست زیرا جامعه هدف آن بیشتر است. خردمندان را مد نظر دارد. ۱۶ آیه برای هدایت و دادن حکمت کفایت می کند.

اما دست یافتن به این مقام هم سخت است. نادر است. اما کمی خودسازی می خواهد. تعلم خوب می خواهد. امداد خدا می دهد. اجتهاد می خواهد.

مقام ایشان از همه مراتب حوزوی و دانشگاهی بالاتر است. کسی أُولُوا الْأَلْبَاب شد باید به زیارتش رفت. دستش را بوسید.

مقام صاحبان خرد (اولو الباب) در مرتبه بعد از راسخان در علم قرار دارد. زیرا برای بدست آوردن آن باید از سد خیلی از شاخص ها بگذرند. لذا علم ایشان اکتسابی است تا ذاتی. برعکس، راسخون در علم، علم ذاتی و الهامی و فیضی دارند. قاعدتا ژنوم ایشان باید برتر باشد. تعداد ژنهای صیقل خورده ایشان باید بیشتر است. پیوندهای سه گانه (G≡C) در رشته های بازی DNA و RNA ایشان وصف ناپذیر است. تعداد پیوندهای دو گانه (A=T) یا (A=U) در رشته های بازی DNA و RNA ژنوم ایشان هم متفاوت است. در عین حال انعطاف پذیر هستند. مقبولیت ویژه دارند. ساخته شدند برای یک کاریزمای ویژه. از بس ژنوم/ژنهای محافظت شده (conserved genes) از نوع کامل دارند (highly conserved genomes).

و از این روست، ۲۱ نسل از این ژنوم ابراهیم–اسمعیل–محمد محافظت می کنند. بلکه صیقل می خورند تا از سلاله ایشان، حضرت محمد (ص) بعنوان آخرین پیامبر مبعوث بشود. باید شخص دانش زیست شناسی تکاملی (evolutionary biology) داشته باشد تا بداند این انتقال ژنها به چه صورت انجام می گیرد بدون یک موتاسیون از ژنوم اصلی. نقش مادران را دست کم نمی گیرم چون هر دو در شخصیت یک فرد موثر هستند (عکس زیر از مقاله من تحت عنوان "ادیان ابراهیمی در همین سایت).



شکل۷. شجره ادیان ابراهیمی. سلسله الذهب حضرت اسماعیل یک خاتم است.

گوش صاحبان خرد (اولو الباب) هم پر از سروش است. غریبه زمان خود هستند. آزار دیده زمان خود هستند. مورد تمسخر جاهلان عصر خود هستند.. **بقول خودم دهنشان بوی پیاز می دهد** اما ایراد بر صالحان را جزو کشفیات اسرار ناوجود خود می دانند.

در فرهنگ لغات، "اولوا" به معنای صاحبان است. "الباب" از ریشه "لبب" به معنای مغز است، مثل مغز بادام و مغز گردو و...

در اصطلاح قرآنی به معنای عقول، عقل، عقل خالص و پاک است. لذا الباب به افراد صاحب تفکر و اندیشه و درک، اطلاق می شود. ایشان صاحبان خردند.

اما این خردمندان خدا چه ویژگی های دارند؟ آیات متعددی از نام و مقام و مدارج ایشان در ابعاد مختلف رمزگشائی می کند. باید اذعان کنم من قبل از این متن، الفتی با این واژه نداشتم. اما چند روز است که بطور شبانه و روزی روی آن متمرکز هستم. اشعار صبحگاهی این چند روز اخیر موید این مدعاست.

روزها در جستجوی صفات این افراد در اینترنت بودم که دیدم در یک سایت افغانی (شبکه اطلاع رسانی افغانستان) مطلبی تحت عنوان"همراه با قرآن: شش صفت صاحبان خِرد" درج شده است. مطالب خوبی درج شده بود اما برای من که در پی شاخص جامع ارزیابی انسان مسلمان دانشور بودم اقناع کننده نبود. لذا سایت های مختلفی را جستجو کردم تا به یک سایت جامع تری رسیدم.

آن موقع بود که به خود گفتم هیچکس حق ندارد از اولوالباب سخن بگوید و یا مطلبی بنویسد مگر همه شاخص های مترتب بر ایشان را ذکر کند. **زیرا این شاخص، شاخص کل است**. هر شاخصی وزن و وزنه خود را دارد. در زیر مجموعه آن، شاخص منفی وجود ندارد. همه شاخصه های آن مثبت در مثبت هستند. یکی بی دیگری معنی ندارد. یکی بر دیگری شاید برتری داشته باشند و این طبیعی است. زیرا مقام و شان پیامبران هم یکسان نیست. مومنین هم به یک درجه مومن نیستند.

اما همه به مرور زمان از انسان معمولی به انسان اولو الباب تبدیل می شوند و به این مرتبه والا می رسند.

این مقام، مقام پروفسوری نیست. مقام اولو البابی است. امتیازات او را هیچ رزومه معمولی ندارد. ذیلا به این صفات اشاره می شود:

۱. **الهام بخش اولوالباب: ابتدا لازم بذکر است مخاطب قرآن همه خلایق خدا هستند. این کتابمی تواند برای همه الهام بخش باشد. از یک بیسواد یک باسواد مطلق بسازد. یک الگو بسازد. چقدر نام ها در این فهرست قرار گرفته و خواهند گرفت. مخاطب این کتاب همه ابنای بشر است. برای تشنگان آن بیشتر. برای ایمان آورندگان آن بیشتر. برای مسلمانان مادرزادی، کتاب قرآن کتاب زندگی است. برای خردمندان کار سخت تر است. زیرا برای ایشان کتاب شاخص هاست. معیارهاست. فرمولهاست. نردبانهاست. معراج هاست. کتاب اولوالباب است.** قبله نمای اولوالباب است. چراغ هدایت و معرفت ایشان است.

با قرآن است که افراد منتخب، اولوالباب می شوند. امتیاز بالای شاخص های اولوالبابی را بدست می آورند. زیرا اسطرلاب ایشان قرآن است. این قرآن است که حقیقت را، معنویت را، حکمت را و پشت پرده عالم را به صاحبان خرد القا می کند. **هم پای منبر انبیا می نشینند و هم راسخون در علم زمان خویش.**

ناگزیر است که هر روز روی ترازوی قرآن با شاخص های متعدد خود را بسنجند تا مفتخر به مقام اولوالبابی بشوند. فیض ببینند و از برکت آن مایه رحمت و برکت و روشنائی دیگران بشوند: هُدیً وَ ذِکْری لِأُولِی الْأَلْبابِ- کتابی که مایه هدایت و تذکّر برای اولو الباب است (غافر/۵۴).

۲. **اولوالباب قشر دانشوران است:** یُؤْتِی الْحِکْمَةَ مَنْ یَشاءُ وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَةَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثیراً وَ ما یَذَّکَّرُ إِلاَّ أُولُوا الْأَلْبابِ- خدا فیض حکمت(سعادت و معرفت) را به هر که خواهد عطا کند، و هر که را به حکمت و دانش رسانند درباره او مرحمت و عنایت بسیار کرده‌اند، و این حقیقت را جز اولو الباب متذکر نشوند (بقره/۲۶۹).

۳. **از قصاص ایراد نمی گیرند. بر قتل عمد ایراد می گیرند. زیرا قصاص ضامن حفظ امنیت جان مردم است:** وَ لَکُمْ فِی الْقِصاصِ حَیاةٌ یَا أُولِی الْأَلْبابِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ -ای اولو الباب، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر (از قتل یکدیگر) بپرهیزید (بقره/۱۷۹).

۴. **حقیقت یاب هستند:** أَفَمَنْ یَعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ کَمَنْ هُوَ أَعْمی إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُو الْأَلْبابِ- آیا مسلمانی که به یقین می‌داند که این قرآن به حق از جانب خدا بر تو نازل شده است با کافر نابینای جاهل یکسان است؟ تنها اولو الباب متذکر این حقیقتند (رعد/۱۹).

۵. **متعهد به وفای عهد و پیمان هستند:** الَّذینَ یُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا یَنْقُضُونَ الْمیثاقَ- آن ها (اولو الباب) که به عهد الهی وفا می کنند، و پیمان را نمی شکنند (رعد/۲۰).

۶. **اهل تولی و تبری هستند. دائم در خضوع و خشوع و خدا ترس هستند:** وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ- (اولو الباب) به پیوندها (وصل‌ها)یی را که خدا دستور به برقراری آن داده (صلاة، صلوات، صله ارحام، همه از ریشه‌ی صلّ هستد) مقید هستند و(بابت گناهان خود از پروردگار خود خجالت می کشند)، جز خشیت در پیشگاه خدا از سختی حساب هم بیم دارند (رعد/۲۱).

۷. **همواره در طلب رضای خدا و رضایت بندگان خدا هستند. صبور هستند. نمازخوان هستند. در نهان و آشکار انفاق می کنند. در برابر رفتارهای زشت دیگران شکیبائی از خود به خرج می دهند. در برابر بدی نیکی می کنند. کلا آدم نیکوکار هستند.** وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ- (اولو الباب) برای به دست آوردن خشنودی پروردگارشان شکیبایی می ورزند، و نماز را بر پا می دارند، و بخشی از آنچه را روزی آنان کردیم در نهان و آشکار انفاق می نمایند، و همواره با نیکیِ زشتی و پلیدی را دفع می کنند، اینان هستند که عاقبت منزلگاه نیکو یابند (رعد/۲۲).

۸. **متقی و آینده‌نگر هستند. توشه آخرت را بر دوش دارند. حج را بهترین زمان خودسازی می دانند. خطای عمدی نمی کنند. اهل مجادله بیمورد نیستند:** الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ- حجّ (واجب) در ماههایی معیّن است، پس هر که در این ماهها حج می‌گزارد بایست آنچه میان زن و شوهر رواست ترک کند و کار ناروا (مانند دروغ و بدگویی) را ترک کند و مجادله نکند، و شما هر کار نیک کنید خدا بر آن آگاه است و توشه (تقوا برای راه آخرت) برگیرید که بهترین توشه این راه تقواست و از من پروا کنید ای اولو الباب (بقره/۱۹۷).

۹. **در همه حال خود را در محضر خدا می بینند. در یافتن اسرار آفرینش اهتمام می ورزند. فلسفه خلقت را بیهوده نمی دانند:** الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ- همانان (اولو الباب) که خدا را در همه احوال ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند که پروردگارا اینها را بیهوده نیآفریده ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار (آل عمران/۱۹۱).

۱۰. **این اصحاب خرد (اولو الباب) به علم خدا اعتقاد راسخ دارند. رمزگشائی از آیات (محکمات و متشابهات) را وظیفه راسخون در علم می دانند:** هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلاَّ اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَ ما يَذَّكَّرُ إِلاَّ أُولُوا الْأَلْبابِ- تفسیر این آیه در بالا آمد (آل عمران/۷).

۱۱. **از تاریخ، درس عبرت می‌گیرند. قرآن را تصدیق و مکمل دیگر کتب آسمانی می دانند. خود برای مومنین یک الگوی حکمت و رحمت هستند:** لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ- به راستی در سرگذشت آنان برای اولو الباب عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه از کتابهایی است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می آورند رهنمود و رحمتی است (یوسف/۱۱۱).

۱۲. **اینقدر صاحب نظر و رای هستند که هر سخنی را از هر کسی نمی پذیرند. همه سخن ها را می شنوند و بهترین ها را بر می گزینند. هدایت شده های کاملی هستند:** الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ- به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند. اینانند کسانی که خدا هدایتشان کرده و اینانند همان اولو الباب (زمر/۱۸).

۱۳. **اهل تهجّد و عبادت و علم و دانش هستند. عالم به معنی واقعی کلمه هستند:** أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ-(آیا آن کس که شب و روز به کفر و عصیان مشغول است (آیه ۸ سوره زمر) بهتر است یا آن کس که ساعات شب را به طاعت خدا به سجود و قیام پردازد و از عذاب آخرت ترسان و به رحمت الهی امیدوار است؟ بگو: آیا آنان که اهل علم و دانشمند با مردم جاهل نادان یکسانند؟ منحصرا اولو الباب متوجه این مطلبند (زمر/۹).

۱۴. **خردمندان (اولو الباب) بیش از مردم عادی اهل شنیدن، اهل بیم و اهل تدبرند:** هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ- این قرآن پیامی برای همه مردم است، برای آنکه به وسیله آن هشدار داده شوند، و با تدبّر در آیاتش بدانند که او معبودی یگانه و یکتاست، و تا خردمندان (اولو الباب) متذکّر حقایق و معارف الهیّه شوند (ابراهیم/۵۲).

۱۵. **اهل رستگاری، اهل پاکی و پیرو اقلیت به حق تا اکثریت بناحق هستند:** قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ- بگو (ای پیغمبر): هرگز مردم پاک و ناپاک یکسان نخواهند بود هر چند (در جهان) بسیاریِ پلیدان تو را به شگفت آرد. پس ای اولو الباب از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید (مائده/۱۰۰).

۱۶. **خداوند بطور مستمر اهل خرد را متذکر حوادث مختلف و امدادهای غیبی خود می کند:** و أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا- و خدا برای مشرکان و معاندان عذاب سخت مهیّا ساخت، پس شما ای اولو الباب که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و راه طاعت پیش گیرید همانا خداوند وسیله تذکّر (قرآن، ملائک، راسخون در علم و....) برای شما فرستاده است (طلاق/۱۰).

۱۷. **مردم عادی در قرآن تفکر می کنند و اولو الباب متوجه آیات قرآنی می شوند:** كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ- این کتابی مبارک و عظیم الشّأن است که به تو نازل کردیم تا امت در آیاتش تفکر کنند و اولو الباب متذکر (حقایق آن) شوند (ص/۲۹).

يا أُولُو الْأَلْبَابِ

yā-ʾulī l-ʾalbāb

(بعد از نماز صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۳)

يا أُولُو الْأَلْبَابِ

بر شما گفتند باب

بر شما دادند باب

هم شما خواندند باب

باب عصمت باب حکمت باب

باب دوران غربت باب

افتخار قرآن باب

آسمان قرآن باب

شاخص دنیا باب

شاخص ایران باب

باب زینب باب

باب رحمت باب

مریم و عیسی باب

موسی ی عمران باب

خسرو خوبان باب

قلب مومن باب

صورت و معنی باب

چشمه خورشید باب

او که گفت شهر علم ام علی بابها باب

باب جنت باب

باب مردان ایران باب

با شهیدان جانباز باب

با علی اصغر باب

با علی اکبر باب

هر یکی نسبتی داشت باب

هر کسی قسمتی داشت باب

باب قرآن باب

باب میدان باب

از شما یک نصحیت باب

بر من این یک حقیقت (أُولُو الْأَلْبَاب) باب

دو مرتبه علمی شاخص در قرآن:

الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ (کسانی که در علم و دانش، ثابت قدم هستند) و أُولُو الْأَلْبَاب (صاحبان خرد)

راسخون علم صاحب رساله اند: رساله کشف الاسرار، کشف الاحوال، کشف الارواح، کشف الانساب، کشف الابصار.

ایشان دارای رساله فضیلت اند. حقیقت اند. دیانت اند. سعادت اند. اصالت اند.

پیشرو علم اند. مولد علم اند. مصرح علم اند. مُصیب علم اند. جایزه نوبل را از دست هیئت داوری و جایزه راسخون را از دست خدا و انبیای خود می گیرند. زیرا ایشان فرامرزی عمل می کنند. به جهان بشریت خدمت می کنند. دانشمندان برجسته دنیا هستند. از دین ایشان سئوال نمی شود. از کشفیات ایشان سئوال می شود. کشف تفسیر یک آیه در قرآن و یا کشف یک فرمول ریاضی تا کشف یک منظومه آسمانی. همه اینها آیات خدا هستند. متاسفانه مسلمانان آن را محدود به تاویل آیات متشابه کرده اند. این است عقب ماندگی جهان اسلام. اگر علم اینقدر پیشرفت نکرده بود معلوم نبود تفسیرهای جدید از آیات قرآن چگونه امکان پذیر می شد. هنوز تفسیرها چنگی به دل نمی زنند زیرا مطابق با علم روز نیستند.

هر خلقت خدا یک آیه بزرگ است. زیرا از یک نیستی بوجود آمده است. تکامل یافته است. آیات قرآنی ترجمان این آیات هستند. چون آیات خلقت برخی ثابت (conserved) و برخی متغیرند (Flexible). کار دانشمندان کشف هر دو است. آیه سوره ۷ آل عمران هم حکایت از این دو دارد. اما کو گوش شنوا؟ کلی مطلب می نویسند برای ندانسته ها و کلی مطلب نمی نویسند برای دانسته ها!

طالب علم اند (أُولُوا الْأَلْبَاب) راسخ علم اند (الرّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ)

علم در علم راسخ علم اند

عاشق علم اند و اله ایوان عظیم اند

نجیب اند

اهل یقین اند

از روز ازل تا به ابد واصل علم اند

شب های دگر هم شاهد علم اند

"الحق" نیآموخت مگر شاعر علم اند

راه عرفا وادی علم است

راه ضعفا ساحل علم است

وجهی که نبود وجه علم است

این گفته از این باب بگویم

سیراب نشدن سینه علم است

آئینه خود آیه علم است

هر شاخص او شاخص علم است

هر شاخص او شاکر علم است

هر روز از این روز مگر شاهد علم است

افلاک نیآسود مگر فاعل علم است

باید بروم سوی خدا تا که بپرسم (نماز اول صبح روز جمعه ۱۴۰۰/۱۰/۲۴)

افسوس از این روز که من غافل علمم

هر شاخه سخن گوید این شاخه بگوید

این شاهد ما ضامن علم است

جداول ارزیابی راسخان علم و اهل خرد مطابق با برداشت های من از آیات قرانی

این بخش به تقلید از پایگاه های استنادی معتبر دنیا طراحی و تدوین اولیه شده است. معیارهای این جداول مرکب از شاخص های علم و اخلاق است. جدول ارزشیابی بی نظیر برای تعیین رتبه علمی دانشمندان جهان اسلام.

بنظر نگارنده تنها این بخش است که عالم اسلام را بر زمین زده است. دانشوران عالم اسلام را زمین گیر کرده است. آبشخور علم زدائی از اینجاست. در این مقیاس هر کسی استاد نیست و هر کسی دانشجو نیست و هر دانشگاهی دانشگاه نیست.

سر در این دانشگاه ها درج شده است: وَقُلْ رَبِّ زِدْنِی عِلْمًا–ای رسول خدا دائم بگو: پروردگارا بر علم من بیفزا (طه/۱۱۴). همچنانکه بر سر در باغ افلاطون که در آن باغ بحث های علمی و فلسفی صورت می گرفت نوشته شده بود: هرکس هندسه/فلسفه نمی‌داند داخل نشود.

کسی باید دانشجو تربیت کند که خود تربیت شده باشد. نمره ارزشیابی اولو البابی او بالا باشد. نمره اچ–اندیکس او بالا باشد. با هم باشد استاد است. بی هم باشد مررات است.

دانشمندان در کشورهای غربی نگران هیچ چیز جز ارتقای علمی خود و کشور خود نیستند. همکاری بین المللی متعددی دارند. نگران تامین پول تحقیق خود نیستند. سرقت علمی در بین ایشان اندک است. دروغگو نیستند. ریاکار نیستند. رقیب هم هستند. علاقه ائی به تصدی پست سازمانی ندارند. احترام پیشکسوت ها را دارند. برای پیشکسوت ها کلاسهای آموزشی حین خدمت نمی گذارند. به فرد صفر کیلومتر مدیریت کلان نمی دهند. اول و آخر، سلسله مراتب را حفظ می کنند مگر فرد منتخب یک فرد استثنائی باشد.

ارتقای علمی او را با عزت و حرمت تمام می دهند.

از هیچ فردی برای ارتقای مرتبه علمی مقاله با یک نویسنده نمی خواهند زیرا از عمر تحقیق دانشجوئی او سالها گذشته است. او صاحب کرسی است. ده ها دانشجو تربیت کرده است. الهام بخش دانشجویان است. خط دهنده است. در غیر اینصورت باید به حریم دانشجو تجاوز بکند. مقاله خود را از دهان مورچه بگیرد و این کل بدبختی است. سرقت علمی در روز روشن است.

در این دانشگاه ها جوانها را مدیر و پیشکسوتان را به آزمایشگاه نمی فرستند. کلاسهای کارشناسی را به او نمی سپارند. مغز او به بلوغ کامل رسیده است. کله زدن با جوانها شکنجه روحی بر اوست. هیچ کجا یک مجتهد اعلم را مدرس دروس سطح نمی کنند.

می گوئید اینجا غرب نیست. بلی درست است. اما اینجا یک کشور اسلامی در منطقه خاورمیانه است. ایران مهد تمدن این منطقه است. باید بفکر احیای تمدن خود باشد. باید ماشین تولید بخشنامه ها را از کار بیاندازد. از اساتید فقط مقاله نخواهد. زبان زیبا نخواهد. انتقاد را بخواهد. چشم بصیرت را بخواهد. اطاق فکر را بخواهد.

h-index	SJR	SNIP Score	% of OA Gold	Average JIF Percentile	Quartiles(Q1-Q4)	% Articles in Citable Items	Normalized Eigenfactor	Eigenfactor Score Article	Influence Score	Citing Half-life	Cited Half-life	Citable Items	Immediacy Index	3-Year Impact Factor	5-Year Impact Factor	Impact Factor without Journal Self Cites	(JIF or IF)	Total Cites	ISSN	JCR	Full Journal Title	Year
>5->50																						

جدول ارزشیابی دانشوران و محققان دانشگاه ها و موسسات تحقیقاتی دنیا بر اساس استنادات به مقالات منتشره و اعتبار مجلات.

مدت زمان تکیه بر پست های مدیریتی	دلسوزی به مملکت	تولیدات غیر علمی در حوزه های هنر و	تولید نرم افزارهای علمی	تولید محصول تجاری	تولید محصول بیولوژیکی	درجه ایمان، امانتداری و عدالت خواهی	میزان علاقمندی به علم	رفتار با همکاران و دانشجویان	حضور در جبهه های مختلف	مبارزه با مفاسد و تبعیض و رانت خواری	اجرای طرحهای پژوهشی	تقدیرها	رتبه جهانی در زمینه تخصص خود	نشریات ترویجی	تحقیقات کاربردی	کتب	مقالات	ردیف
+	++	++	++	++	++	+++	بینهایت	+++	+++	+++	++	++	+++	++	++	+++	+++	

جدول ارزشیابی دانشوران و محققان دانشگاه ها و موسسات تحقیاتی جهان اسلام بر پایه علم، اخلاق، تعهد، دلسوزی، فداکاری، ترویج ارزشهای انسانی.

شهرت جهانی	رشته مادی	مدت زمان تکیه بر پست های مدیریتی	تاثیر گذاری در سطح جهان	تولید علم	فراغت از تحقیق	میزان علاقمندی به علم	گرانت ویژه	تربیت دانشجویان نخبه	سخنرانی های کلیدی	اجرای طرحهای پژوهشی	تقدیرها	رتبه جهانی در زمینه تخصص خود	نشریات ترویجی	تحقیقات کاربردی	کتب	مقالات کلیدی با نوع آوری بی نظیر	ردیف
جاودانی	معمولی	0	استثنائی	بی نظیر	0	بی نظیر	++++	++++	+++	+++	ملی و بین المللی	بی نظیر	+	+	+	+++	

جدول ارزشیابی راسخون در علم (ثابت قدمان دانش). متفاوت از همه معیارهای شناخته شده در دنیا. ایشان فرامرزان رکود شکن، سد شکن، خط شکن و نوع آوران بنام علم و هنر عالم بشریت هستند.

تمام آنچه را که در دعاها آمده است اینجا بعنوان شاخص های اهل خرد رتبه بندی می شوند. برای اولین بار است شاخص های قرآنی به دعاها وزن ویژه می دهند. نمره هر شاخص با خداست. با هم، اصحاب خرد تعریف می شوند. معلوم است امتیاز هر کدام و همه آنها در سطح بسیار بالائی باشد نام دارنده آن در صدر جدول زیر قرار می گیرد. اما کسی از جدول خارج نمی شود زیرا مقام ایشان منوط به احراز همه صفات زیر است.

حتما بین جدول ارزشیابی مومنین با خردمندان تفاوت های بارزی وجود دارد.

حتما بین اولو الباب با دانشگاهیان کل دنیا تفاوت های بارزی وجود دارد.

باید وقت داشت و این نسخه را تکمیل کرد. چه کنم که ویراستاری خود این متن بی بدیل کلی زمانبر است.

مستعد دریافت امدادها و تذکرات غیبی	اهل رستگاری و پاکی	اهل علم و بیم و تدبیر	امیدوار به رحمت خدا	شنونده همه عقاید و پذیرنده بهترین آنها	پیرو علم خدا و راستخون در علم	اهل تفکر در آفرینش زمین و آسمان ها	اهل عبرت و عاقبت اندیشی	اهل تقوی و حج	اهل صبر و نیکی در برابر بدی	اهل نماز و انفاق	اهل خضوع و خشوع	اهل تولی و تبری	حقیقت جو و عدالت خواه	اهل وفا بعهد	اهل علم	اهل حکمت، معرفت و خواهان سعادت بشری	پذیرنده و جوینده حقایق آیات قرآنی

جدول ارزشیابی دانشوران و محققان دانشگاه ها و موسسات تحقیاتی جهان اسلام برای ارتقا به مرتبه خردمندی.

نه تنها راسخ علم نداریم، اولو الباب هم کم داریم. زیرا دانشگاه در این سطح نداریم. استادی در این پایه علمی و اخلاقی و استشهادی و استمدادی و استمراری نداریم. از کوزه همان تراود که در اوست.

شرق برخاسته از خاک

(۱۴۰۰/۱۰/۳۰)

شعری که من در آن دخل و تصرفی نداشتم. حسن ختامی برای پایان این مطلب سخت و وقت گیر

شرقی که شرق را آفرید

شهرهای دنیا آفرید

پیمان ایمان آفرید

عثمان و عصیان آفرید

بر هر مزار یک آفرید (یکتاهای بی نظیر از شهیدان، خردمندان، شاهدان و ناظران)

رنجور و رمال آفرید

در دهکده دار آفرید

بر سبزه زار گل آفرید

طاغوت و طاعون آفرید

ماجور و ممدوح آفرید

هر دو خصال را آفرید

در چشمه بادی آفرید

در خنچه جوری آفرید

این بار اگر خوب آفرید

دشنام اگر سود آفرید

حیران مگر جود آفرید

جانان فقط جان آفرید

مردم گنه بار آفرید

مردم سپر ساز آفرید

بیدار شوید چون آفرید

بیدار کنید بیم آفرید

شاخص فراوان آفرید

سهراب به میدان آفرید

گلزار به منقار آفرید

این آفرید آن آفرید

الباب و القاب آفرید

راسخ به ما باز آفرید

خود را بپوش خود آفرید

میدان علم بار آفرید

در گوشه ائی تنها نمان

با ما بیا چون آفرید

جمشید و خورشید آفرید

مجروح جنگی آفرید

مجهول و معلوم آفرید

پاکیزه است پاک آفرید

نابرده است برد آفرید

گرد آفرین گرز آفرید

این آفرین بر من که گفت

گفتار نیک خوش آفرید

اولو الباب باب گفتگو می باشند

(۱۴۰۰/۱۱/۴)

اولو الباب دامن علم را گریبان داشتند

از هر دو جهان یک ثمری داشتند

بر هر دو جهان یک قمری داشتند

القاب نبودند بهر کسی داشتند

تاج وطن از وطنی داشتند

افزون تر از این ماه عسل داشتند

در معرکه بودند معرکه ائی داشتند

یک شاخه نبات در چمنی داشتند